

ایران است و هیچ قانون و مقرراتی به فرض اینکه به صورت ماده مندرجه در قراردادی که تحمیلی هم نبوده و کاملاً " قانونی و درست بوده باشد نمی تواند آن حق را از ملت ایران سلب نماید .

تکرار می کنم . با ملی شدن صنعت نفت قرارداد ۱۹۳۳ خواه چنانکه شرکت نفت مدعی است آن قرارداد قانونی و تعهد آور بوده باشد و خواه آنطوری که نظر ملت ایران است تحمیلی و باطل تلقی گردد کان لم یکن گردیده هیچ احتیاجی به عنوان کردن الغاء آن نیست .

پس اگر کسانی عنوان کنند که آیا می توان قانوناً " قرارداد ۱۹۳۳ را ملغی نمود یا نه بدو دلیل خیانت کرده اند .

اول اینکه با این عبارت و علیرغم تمایلات و قضاوت افکار عمومی خواسته اند قرارداد باطل و تحمیلی ۱۹۳۳ را تعهد آور تلقی نمایند .

دوم اینکه هیچگونه قراردادی را از طریق حقوق خصوصی نمی توان فسخ و ملغی نمود مگر آنکه چنین حقی ضمن مفاد قرارداد شناخته شده باشد تا چه رسد به قرارداد ۱۹۳۳ که در آن ، این حق برای شرکت نفت شناخته شده و از دولت ایران سلب گردیده است . بنابراین به طریق اولی نمی توان قرارداد ۱۹۳۳ را از مجرای حقوق خصوصی الغاء نمود .

نتیجه آنکه این عمل که مورد تقاضای ملت ایران و جبهه ملی نبوده است بدون دلیل و فقط به منظور گسترانیدن دامی در راه ملت ایران مطرح گردیده است و جبهه ملی به نمایندگی ملت ایران شدیداً " با طرح آن از طرف نخست وزیر معترض می باشد .

(نظر کوتاهی درباره زیان قراردادهای ۱۹۳۳ و الحاقی)

زیان های قراردادهای ۱۹۳۳ و الحاقی بگونه گسترده ای در کتاب سیاه (شامل مذاکرات کمیسیون خاص نفت مجلس شورای ملی) و به ویژه جزوه های شماره ۷، ۸، ۹ حزب ایران آمده است .

مرحوم محمود محمود نیز بخشی از این ایرادات را در کتاب جنگ نفت بگونه‌ای فشرده بیان داشته است. البته بحث در این باره به درازا می‌کشد زیرا یک پژوهش فنی است و تنها از نظر تاریخی و سیاسی می‌توان به کوتاهی به آن اشاره‌ای کرد و بخشی از این بررسی نیز در استیضاح از دولت رزم‌آراء همانگونه که در پیش گفته شد آمده است.

زمانی که چرچیل وزیر درياداری بریتانیا بود در حدود ۵۴٪ از سهام شرکت نفت انگلیس به آن دولت داده شد و در اثر اجرای این کار اولاً شرکت نفت انگلیس یک شرکت دولتی شد و ثانياً "با پشتیبانی دولت انگلیس به آسانی توانست در کارهای ایران دخالت کند و ثالثاً" یک قرارداد محرمانه‌ای با درياداری بریتانیا بسته شد که به موجب این قرارداد سوخت تمام کشتی‌های تجارتي و جنگی انگلستان را شرکت نفت با بهای بسیار کمی تأمین می‌کرد و وقتی که دولت ایران در این مورد اعتراض می‌کرد شرکت نفت می‌گفت سیاست بازرگانی من ایجاب می‌کند که یک چیزی را ارزان‌تر و یک چیزی را گران‌تر بفروشم و روی این امر با دولت انگلیس قرارداد دراز مدتی بسته‌ام این ربطی به دولت ایران ندارد و از اینجا می‌توان پی‌برد که بدین جهت و جهات دیگر شرکت نفت تلاش می‌کرد تا قراردادهایش با ایران درازمدت باشد زیرا ضمن سود سرشار برای دارندگان سهام، تأمین سوخت مجانی امپراطوری بریتانیا را نیز در برداشت.

پس از اینکه قوای متفقین در جنگ دوم جهانی وارد ایران شدند شرکت نفت در حدود یک میلیون و هفتصد هزار تن نفت بدون کسر مالیات به آن‌ها فروخت و در پاسخ اعتراض دولت ایران گفت در زمانی که متفقین اینجا بودند یک مقدار زیادی برای حمل و نقل مصرف کردند و ما این‌ها را فروختیم و مالیاتش را کسر نکردیم.

هنگامی که دولت ایران گفت که شما طبق ماده ۱۹ امتیازنامه بایستی مالیات این نفت را بپردازید شرکت پاسخی نداد و گفت مربوط به دولت

انگلیس است در حالیکه طبق قرارداد شهاتری دولت بریتانیا پولش را تمام و کمال از متفقین گرفته بوده است .

در آن زمان با زبان دیپلماسی تهدیدی هم شد به این عبارت که یک نامه از سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه رسید که از دولت ایران پرسیده بودند: «شما مالیات خواسته‌اید؟» .

با وجودی که طبق ماده ۲۱ شرکت نفت انگلیس متعهد شده بود که همیشه حقوق و امتیازات و منافع دولت ایران را در نظر داشته باشد و کاری نکند که زیان دولت ایران را دربرداشته باشد اما همواره خلاف این تعهد رفتار کرده است .

بطور کلی از پژوهش قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳ چنین برمی‌آید که نظریات یک دولت پیروز در جنگ به یک دولت شکست خورده دیکته شده است و اگر هم موردی در قرارداد پیدا می‌شد که سودی از آن برای ایران دربرداشت به مورد اجراء در نمی‌آمد .

از جزء به جزء این دو قرارداد تنها یک نکته دستگیر می‌شود و آن اینکه در قرارداد داری سرمایه اصلی از ایران بود و تکنیک از شرکت نفت اما دولت ایران در سودهای گوناگون شرکت نفت بنابر مفاد آن سهام بود . در قرارداد ۱۹۳۳ ایران تنها در سود تناژ نفت به هنگام استخراج سهام بود که متأسفانه بعدها در قرارداد کنسرسیوم سرمایه و بهای تکنیک (کارخانه و مؤسسات) از ایران شد ولی با شیوه بی سابقه‌ای زیان هم متوجه ایران شد . در مدت چهار سال عملیات شرکت نفت از ۱۹۱۱ تا ۱۹۵۱ مجموع مبالغ دریافتی ایران ۱۱۳ میلیون لیره انگلیسی و در همین مدت دولت انگلیس تحقیقا " ۲۵۰ میلیون لیره به عنوان مالیات از شرکت نفت انگلیس و شرکت‌های فرعی آن دریافت داشت (شگفت‌آورتر اینکه هیچ یک از این شرکت‌ها در خاک بریتانیا فعالیت نداشته‌اند و مشمول مالیات ماوراء بحار نمی‌شدند) .

در آخرین سال پیش از ملی شدن نفت (۱۹۵۰) میزان حقالا-متیاز ایران در حدود شانزده میلیون لیره بود در حالیکه مالیات پرداختی به دولت انگلیس بالغ بر پنجاه میلیون لیره شد. علاوه بر اخذ این مالیات، دولت بریتانیا به عنوان سهامدار اصلی شرکت نفت سهم خود را از منافع قابل توزیع شرکت دریافت می داشت.

آقای ژرژ لنچافسکی که مزدور و تبعه آمریکا و از مخالفان سرسخت دکتر مصدق بود، در کتاب خود (نفت و دولت در خاورمیانه) حملات ناجوانمردانه‌ای به دکتر مصدق کرده و نسبت‌های ناروایی در لفافه به ایشان داده است اما با این توصیف ناچار اذعان به حقانیت مبارزه ملت ایران به رهبری دکتر مصدق نموده و بارها این حقانیت را تکرار کرده است.

لنچافسکی سال‌ها پس از تصویب قرارداد کنسرسیوم در پژوهش‌های خود آورده است که در یک سو شرکت نفت انگلیس قرار داشت که متکی به پیمانی بود که در زمان دیکتاتوری تصویب شده بود و در سوی دیگر ملتی بینوا که خود را در این پیمان مغبون می دید.

آقای دکتر مصدق ضمن گفتگوی گسترده‌ای در کمیسیون خاص نفت اظهار داشت: «تمام حواس شرکت پرت مدت قرارداد بود و به وسیله قرارداد الحاقی می‌خواست امضائی از ملت ایران بگیرد برای اینکه شرکت نفت می‌دانست پس از هر تغییر رژیم در هر کشوری در اصول و مقررات آن کشور تجدیدنظر می‌شود. از طرفی خود اذعان داشت که قرارداد ۱۹۳۳ در یک محیط ترس و وحشت اعطاء شده است.»

آقای دکتر مصدق در نشست دیگری گفت: «قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت را مکلف کرده است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند و چون دولت لایحه الحاقی را تأیید می‌کند این است که سؤال می‌کنم برای ۳۲ سال تمدید مدت که کلیه تأسیسات شرکت و تمام محصول نفتی متعلق به ایران است و بطوری که به عرض رساندم لااقل در هر سال یکصد میلیون لیره حق مسلم

ملت ایران به واسطه تمدید مدت از بین خواهد رفت. دولت برای استیفای حقوق ملت ایران چه تصمیمی اتخاذ کرده است و چنانچه لایحه الحاقی تصویب شود این ضرر از چه طریق جبران می شود؟ ..

..... به هر حال به موجب صورتی که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد سود شرکت نفت ۷۹ میلیون لیره بود. که ریز آن چنین است: مالیات بردرآمد دولت انگلیس ۲۸ میلیون، ذخیره ۱۷ میلیون، مخارج بهره برداری ۱۷ میلیون، حق امتیاز و مالیات دولت ایران ۱۰ میلیون، سود صاحبان سهام ۷ میلیون که جمعا " می شود ۷۹ میلیون.

حال اگر ۱۷ میلیون هزینه را کسر نمائیم می ماند ۶۲ میلیون لیره که از سال ۱۹۶۱ به بعد تا مدت ۳۲ سال به جیب خارجی ها می رفت و آقایان برای حفظ مقام و موقعیت خود درباره اش سکوت اختیار می کردند و لایحه الحاقی را درست تأیید می نمودند و انگهی شرکتی که تمام تأسیساتش در ایران بود و سودش از این کشور تأمین می گردید فقط به صرف اینکه اتباع آن انگلیسی بودند به دولت انگلیس ۲۸ میلیون مالیات تنها و به ایران ۱۰ میلیون مالیات و حق الامتیاز (تواما) می پرداخت ..

در کمیسیون خاص نفت آقای الهیار صالح راجع به رفتار شرکت نفت با ایرانیان گفت: "که رفتار شرکت نفت با ایرانی ها به اندازه ای توهین آور است که من اشخاصی را می شناسم که با اینکه دوهزار تومان یا بیشتر در شرکت حقوق داشتند حاضر شدند که بیایند تهران و با حقوق خیلی کمتر کار بکنند ..

"در سال ۱۳۲۸ یک طبیب ایرانی که تحصیلات عالییه خود را در پاریس تمام کرده بود پس ازدادن دوسه کنکور از شرکت نفت او را می خواهند ؛ او هم یک سفارشی از آقای عامری گرفته می رود ، پس از سی الی چهل روز برمی گردد و به آقای عامری می گوید من تبعیضاتی دیدم که چشم بر نمی دارد . نمی توانم تحمل کنم . می گوید اصولا " دوائی را که می دادند و طرز معالجه

ایرانی با اتباع خودشان مرا ناراحت کرده است.^۱

یک پلی امریکائی‌ها در جنگ جهانی دوم بین راه‌آهواز و آبادان درست کردند. پس از جنگ خواستند این پل را بفروشند کمپانی نفت از همه گرانتر این پل را خریداری و جمع‌آوری کرد.^۲

آقای الهیار صالح افزود: «اولیای امور ما حتی حاضر نیستند یک‌کلمه آشکارا از حقوق ایران در مجامع عمومی دنیا سخن گویند. این جناب آقای انتظام که اکنون رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد است یک کلمه بر علیه مظالم انگلیس‌ها نسبت به ایران نمی‌گوید. برعکس دولت‌های ما آشکارا

۱ - خانم دورتی تامپسون نویسنده آمریکائی در جریان قیام ملی سی‌تیر ۱۳۳۱ نوشت ایرانی‌ها مایل‌اند از فقر و گرسنگی بمیرند اما زیر دست انگلیس‌ها کار نکنند. در آبادان با یکی از کارمندان صحبت می‌کردم او گفت که من در یکی از دانشگاه‌های لندن فارغ‌التحصیل شده‌ام و دارای لقب و عنوان مهندس شیمی می‌باشم ولیکن مادامی که انگلیس‌ها در اینجا بودند من یک کار ساده اداری داشتم و می‌دانستم که هرگز ترقی نخواهم کرد هیچ یک از ایرانی‌ها هراندازه‌ای هم که صاحب معلومات بودند در زمان انگلیس‌ها شغل مهمی نداشتند و نمی‌توانستند به انگلیس‌ها دستور بدهند. مهندس مزبور گفت که من دیگر هرگز برای انگلیس‌ها کار نخواهم کرد و بهتر است که ما از گرسنگی بمیریم تا برای آن‌ها کار کنیم.

۲ - در زمان انگلیس‌ها یک قاضی دادگستری به آبادان منتقل می‌شود. مستر در یک رئیس پالایشگاه و امور شرکت نفت در آبادان او را می‌خواهد و می‌پرسد که با اجازه چه کسی اینجا آمده‌ای؟ وی پاسخ می‌دهد به‌شما مربوط نیست من قاضی هستم و دولت مرا فرستاده است. مستر در یک می‌گوید بسیار خوب... روز بعد قاضی دادگستری از آبادان به ملایر فرستاده می‌شود.

از انگلیس‌ها دفاع می‌کنند ما همانگونه که در مقابل شوروی‌ها ایستادگی کردیم و در کنفرانس‌های جهانی حق خودمان را خواستیم همانگونه هم باید نمایندگان ما در برابر شرکت نفت ایستادگی بکنند .

بنده هیچ به خاطر ندارم که تاکنون یک دفعه هم که شده یک نماینده از طرف دولت ایران در این همه سازمان‌های جهانی که تشکیل شده است و مبالغ گزافی برای ملت ایران خرج به بار آورده است یک کلمه از انگلیس‌ها به خصوص دربارهٔ احقاق حق ایران از شرکت نفت جنوب سخن بگویند و شکایتی بکنند .

به بینید نمایندگان ما در خارج تا چه اندازه‌ای از منافع ملت خود دفاع می‌کرده‌اند؟ این‌ها که چشم دولت ایران، نمایندهٔ ملت ایران در خارج بوده‌اند برای گرفتن حق ایران چگونه پافشاری می‌کرده‌اند .

به یکی از نمایندگان دولت در لندن دستور می‌دهند که برو به شرکت نفت و تحقیق کن و ببین که قیمت نفت در یاداری انگلیس چقدر است . مدتی می‌گذرد و پاسخ تلگراف را نمایندهٔ ایران نمی‌دهد . مجدداً " به او فشار می‌آورند و می‌گویند چطور شد ؟ .

او پس از یک مدتی تلگراف می‌کند به دولت ایران و وزارت خارجه که حقیقت این است که من رفتم با رئیس شرکت نفت انگلیس این موضوع را در میان گذاشتم . او گفت که این موضوع سکره (Secret) کمپانی است و وقتی من زیاد پافشاری کردم از من قول شرافت گرفت که تنها برای آگاهی من آن نرخ را نشان بدهد و چون من به شرکت نفت یک چنین تعهدی کردم بنابراین معذور هستم .^۱

۱ - هنگامی که سهیلی سفیر ایران در لندن بود مانند دیگر سفراء آن زمان چنین رفتاری داشت . سید مهدی فرخ در خاطرات خود می‌نویسد :
بقیه پاورقی در صفحه بعد

آقای مکی در این کمیسیون گفت که: «آقای جمال امامی گفتند اگر دولت از لحاظ سیاسی در یک تنگنای سیاسی هست باید بگوید. دولت هم چسبیده است به این موضوع، بنده خیلی تعجب می‌کنم کدام محظور سیاسی هست که ایجاب می‌کند ما منافع ۱۵ میلیون جمعیت‌گرسنه را در نظر نگیریم و تقدیم دولت امپراطوری انگلستان بکنیم. من باید بفهمم مصلحت سیاسی چیست که فرمودند جز چین و ترس چیز دیگری نیست اگر دولت دلسوزی داشته باشیم که مدافع شرکت نفت نباشد آن‌ها تسلیم خواهند شد.»

قبلاً هم گفته شد روی اینگونه راهنمایی‌های افرادی چون جمال امامی بود که هیئت وزیران به اتفاق تصمیماتی به‌زیان ایران می‌گرفتند و ارجاع امر را به حکمیت مصلحت نمی‌دانستند.

پس از انتخابات دوره شانزدهم دیگر دولت، ساعد توانائی دفاع از قرارداد الحاقی را از دست داد. در کابینهء منصور که فشار سیاسی برای طرح و تصویب قرارداد زیاد بود ناچار شدند که آن را بدون اظهارنظر برای تصویب به مجلس بفرستند زیرا نخست‌وزیر از ترس شرکت نفت انگلیس حرأت مخالفت با قرارداد را نداشت و از طرف دیگر خود را قادر به ایستادگی در برابر افکار عمومی نمی‌دید.

بالاخره کمیسیون خاص نفت از دولت خواست که پرونده‌های نفت را برای بررسی به مجلس بفرستد و دولت منصور نیز چند روزی مهلت خواست

بقیه پاورقی از صفحه قبل

«سهیلی گفت - این حرف پیش من و شما باشد توجه بفرمائید برای عزل و سقوط من نه مجلس شورای ملی و نه هیچ مقام دیگر قدرت کاری را ندارند تا نمایندگان روس و انگلیس موافق زمامداری من باشند من نخست‌وزیر خواهم بود و تا موافقت آنان با من است هرگونه تلاشی برای برکناری من بی‌فایده خواهد بود.»

و روزی که قرار بود پرونده نفت به کمیسیون فرستاده شود (۱۳۲۹/۴/۵) بگونه‌ای شگفت‌آور کابینه منصور سقوط کرد و آنگاه دولت رزم‌آراء به مجلس معرفی شد.

از آن تاریخ سه‌ماه و اندی گذشت و در این مدت درخواست‌های بی‌دری کمیسیون برای فرستادن پرونده‌های نفت به جایی نرسید تا اینکه کمیسیون نفت دولت را تهدید به استیضاح کرد و دولت ناچار شد که پرونده‌ها را به کمیسیون بفرستد.

همه این رویدادها هنگامی بود که حتی مشاوران بیگانه دولت ایران نیز حق را به جانب ایران می‌دادند. . . . مثلاً "آقای تورنبرگ (یکی از مشاوران) گفت: مبلغ ۱۶ شلینگ و ۴ پنس که دولت ایران در نظر گرفته حداقلی است که می‌تواند براساس عدالت و انصاف قبول کند. . . . اگرچه حکمیت تصفیه این موضوع را به تأخیر می‌اندازد و ممکن است مشکلات سیاسی از مقامات بالاتری وارد جریان کند.

آقای مهندس حسینی از حزب ایران مأ‌مور شده بود که با پرفسور زیدل مشاور حقوقی دولت ایران ملاقات کند. آقای پرفسور زیدل (که نظر پایش را گلشائیان در مجلس به گونه‌ای نادرست گفته بود) در پارلیس با مهندس حسینی به گفتگو نشست که اظهار نظر صریح ایشان در جزوه شماره ۸ حزب ایران آمده است.

پرفسور زیدل در یک رساله مفصلی که تقدیم کرده بود موضوع حکمیت و مواردی را که نسبت به آن‌ها دولت بایستی تقاضای حکمیت کند مورد مطالعه قرار داده و نسبت به هر یک از آن‌ها مدارک مورد استناد را تعیین کرده بود.

(استیضاح معروف)

بالاخره فراکسیون وطن دولت رزم‌آراء را برای کوتاهی در اجرای

قانون مهرماه ۱۳۲۶ و عدم استیفای حقوق مردم ایران در کار نفت در ۱۳۲۹/۷/۲۵ استیضاح کرد.

در این استیضاح چهار نفر از آقایان اعضاء جبهه ملی به ترتیب الهیار صالح، حائریزاده، حسین مکی، دکتر مصدق (از جنبه‌های اجتماعی، حقوقی، فنی، سیاسی) در مورد نفت سخن گفتند که ما فشرده‌ای از آن را می‌آوریم.

الهیاری صالح: «مطالعات و تحقیقات رفقای حزب ایران در نشریه‌های گوناگونی که یک قسمت آن را آقایان ملاحظه فرموده‌اند به وجه انکار ناپذیری ثابت کرده‌است که تمام قراردادهایی که شرکت نفت تاکنون به ایران تحمیل کرده‌است به زیان مادی و معنوی ملت ایران بوده‌است.

به اندازه‌ای این زیان‌ها روشن و آشکار است که بدون شک مردمان آزاده و پاک هیچگاه حاضر نخواهند شد قراردادهایی را که شرکت نفت میل دارد امضاء کنند و ملتی دانا و توانا هرگز زیر بار قبول آن نخواهد رفت. پس سیاست شرکت نفت که خواهان امضای اینگونه قراردادها است جز حکومت ناپاکان و ضعف ملت ایران نمی‌تواند باشد. . . .

باید ملت ایران بی‌سواد و گرسنه باشد یعنی چه از حیث مادی و چه از حیث معنوی ناتوان بماند تا نتواند مطالبی را که نسبت به او می‌شود درک کند و اگر هم مثل امروز نتوانستند کاملاً "در نادانی نگاهش دارند در نتیجه گرسنگی نتواند اقدامی برای استیفای حقوق خود کند. سیاست گسترش جهل و دامن‌زدن به خرافات، سیاست تخریب اقتصادی، سیاست دائمی شرکت نفت می‌باشد.

نگوئید که این‌ها به شرکت نفت ارتباطی ندارد. دنیا، دنیای حساب و منطق است نه دنیای احساسات. به بینید از فقر و رنج و نادانی ملت ما چه کسی بیشتر استفاده می‌برد و اگر استفاده کننده دانا و توانا است پس یقین سبب اصلی او می‌باشد. . . .

بنده می‌پرسم آیا هیچ کدام از آقایان محترم از برنامه‌ء دروس و تحصیلات دبستان‌ها و دبیرستان‌ها راضی هستید؟. بنده خیال نمی‌کنم که امروز کسی باشد (به ویژه اولیاء کودکان) که از برنامه‌ء فرهنگ راضی باشد (صحیح است) (آزاد - برنامه مستعمراتی است) و این موضوع تازگی ندارد. بنده می‌خواهم بگویم که در گذشته یکی از نقشه‌های شرکت نفت برای سلطه به ایران همین بوده است که سطح فرهنگ ایران را پایین نگاه بدارد (صحیح است)^۱ و کودکان و جوانان ما یا اصلاً چیزی یاد نگیرند و یا چیزهایی یاد بگیرند که قابل استفاده نباشد. شاگردها چه دختر و چه سر هنگامی که از مدرسه بیرون می‌آیند دارای یک ساختمان خیلی ضعیف مغ عصبانی می‌باشند و مطالبی را که در مدرسه یاد گرفته‌اند هیچ به ردهشان نمی‌خورد.

در مورد بهداشت، ملاحظه بفرمائید که در بودجه کل کشور بودجه بهداری به اندازه‌ای کم است که گمان می‌کنم در حدود $\frac{2}{5}$ یا ۳ درصد بودجه کشور باشد (دکتر طباطبائی - ۲ درصد بودجه کل کشور است) بودجه ابرت جنگ آشکارا نیمی از بودجه کل کشور را تشکیل می‌دهد و حال آنکه بود تیمسار رزم‌آراء تصدیق می‌فرمایند ما با هیچ کشوری سر جنگ نداریم. (حاضرین - کارگرهایی که در عراق اعتصاب کردند کسی مزاحمشان

۱ - در گزارش جامعی که در سال ۱۹۴۹ توسط گروه مشاوران ماوراء بحار رامون برنامه هفت ساله ایران تهیه شده درباره‌ء فرهنگ ایران چنین سخن ته است: " . . . فرهنگ با سیر توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران پیش فته است. علت این عقب‌افتادگی عدم موقعیت مدارس از لحاظ انجام ایف خود نبوده است بلکه علت، بیشتر تغییر فلسفه اجتماعی ایران ت . . . در این گزارش آمده است که توده بی‌سواد ایران در سال ۱۳۳۹ مراتب بیشتر از بی‌سوادان سال ۱۳۲۵ بوده است.

نشد ولی کارگرهای ایرانی اعتصاب کردند و ارتش شاهنشاهی رفت و آن‌ها را بیرون کرد .

مکی ارتش و قوای تأمین عبارت است از یک قوای که فقط و فقط به منظور حفظ دستگاه نفت در این کشور به وجود آمده است .

الهیاری صالح - . . . در کابینه قوام السلطنه اعلان مناقصه برای لوله‌کشی شهر تهران داده شد چندین شرکت مشهور دنیا در آن شرکت کردند . این شرکت الکساندر کیپ انگلیسی پنجمین شرکت بود . در آن مناقصه اگر حقیقتاً " و از روی انصاف می‌خواستند عمل بکنند به اولی یا دومی یا سومی می‌بایست بدهند . چهار شرکت بزرگ را اول کردند با پنجمین قرارداد بستند .

سه سال و نیم این شرکت بی‌انصاف کشور ایران را در حال وعده و وعید نگاه‌داشت و گاهی برای اجرای تعهد خودش برداشت جز اینکه مقداری لوله وارد کرد که آن لوله‌ها هم مقداریش ترک دارد^۱ و پس از اعتراض‌هایی که در مجلس شورا و سنا کردند ناگهان ، آگاه شدیم که در غیاب مجلس آقای شهردار تهران نسخه انگلیسی قرارداد را امضاء کردند و بنده تا آنجا که آگاهم آقای نامدار شهردار تهران انگلیسی هم نمی‌داند و با شتاب و برای اینکه نشان بدهد حسن خدمت می‌کند نسخه انگلیسی قرارداد شرکت الکساندر کیپ را امضاء کرده است و بدون گرفتن هیچگونه تضمین بانکی ، گویا فقط آنطوری که بنده شنیدم (جناب آقای رزم‌آراء خوب می‌دانند) سفارت انگلیس یک شرحی نوشته است که ما شرکت الکساندر کیپ را می‌شناسیم و مطمئن باشید و قرارداد را به بندید و از این‌روی

۱ - پس از مرداد ۱۳۳۲ نیز برای اسفالت جاده‌های ایران شرکت

جان مولم انگلیسی به ایران آمد و

نزارداد بسته شده است ۱

حائریزاده: «استیضاح ما از اینجا سرچشمه گرفت که قراردادی آقای گلشائیان با گس بسته بودند و در دوره پانزدهم به مجلس آوردند و جدا هم مدافع آن قرارداد بودند. خوشبختانه عمر مجلس وفانکرد که آن قرارداد تکلیفش معین بشود ولی ابراز احساسات ملت ایران به نمایندگان امروز و نتخاب آن‌ها در تهران معنیش عملاً "رد آن قرارداد بود. برای اینکه بخالفین قرارداد در مجلس با اینکه دولت خیلی اشکال تراشی می‌کرد و آراء ا. عوض می‌کرد ولی مردم مقاومت کردند این یک رفراندومی بود برای رد بین قرارداد. انتخاب ما برای این بود که مخالف قرارداد نفت بودیم. این بازی دولت‌هایی که آمده‌اند و با صراحت نگفته‌اند که ما طرفدار

۱ - روزی که بقول معروف بر مسند وزارت خواروبار نشستم در همان قایق اولیه با حیرت و تعجب دریافتم که مردم مملکت ما از لحاظ سوخت هم به سختی در مضیقه هستند. درست‌تر بگویم ما بیش از مصرف سه روز نفت بنرین نداشتیم. سر این رشته راهم حضرات (متفقین) در دست گرفته بودند و بطور اقساط به ما نفت و بنزین می‌دادند.

این هم یک جور بدبختی بود که نفت زیرپای آدمی باشد اما اختیار صرف از آن را نداشته باشد و مدام در دلهره و وحشت باشد. اگر یک روز سفارتین به ما غضب می‌فرمودند نه نانوائی‌های ما سوخت داشتند و نه تمام‌ها و نه دیگران و لاجرم سر صبح نان نداشتیم که بخوریم من زیر خواروبار کشوری بودم که همه وسائل کارش در دست بیگانگان بود. سهیلی (رئیس‌الوزراء وقت) نمی‌توانست کار غله را به سامان برساند بپرا سرگنده در زیرلحاف پنهان بود و سهیلی جرئت نداشت لحاف را کنار زند و چهره «مستربولارد» سفیر انگلیس را از میان آن نمایان سازد. از خاطرات سیاسی سیدمهدی فرح.

قراردادیم معنایش این است که ما مخالفیم منتها از انگلیسها می ترسیم که مخالفت با قرارداد نمائیم . آقای منصورالملک پشت این تریبون آمد ولی ما نتوانستیم بفهمیم مخالف است یا موافق . جناب رزم آراء هم همان پیرونده را گرفته اند و دارند رویش عمل می کنند .

آقایان نمایندگان محترم حکومت انگلستان امروز برای خود حکومت سوسیالیستی و کارگری است ولی از نظر سیاست خارجی مروج قدرت های نامشروع و اصول قلدری و دیکتاتوری است . اگر به تاریخ مراجعه شود سلسله ارتباط علت و معلول تغییراتی که در ایران پیش آمد کرده است در قرن اخیر از تغییر حکومت مستبد به مشروطه و مبارزه با محمدعلی شاه و اخراج او و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تغییر سلطنت قاجار و تبدیل آن به پهلوی و تمام حوادثی که در این مدت اتفاق افتاده مستقیم و یا غیر مستقیم برای ایران غیر از فقر و بدبختی و فساد اخلاق نتیجه دیگری نداشته است .

..... ملت ایران همیشه از عملیات کمپانی نفت جنوب ناراضی بوده حتی شخص شاه سابق با این که پایه حکومت دیکتاتوری او روی نقشه نفت از جانب انگلستان گذارده شده بود از عملیات کمپانی ناراضی بود و دلیل عرایض من صورت مجلس موقعی است که در زمان دیکتاتوری رضاشاه این قرارداد به مجلس فرمایشی آن روز داده شد .

جناب آقای دکتر مصدق در جلسه ۱۳۲۳/۸/۷ دوره چهاردهم اولین شخصی بودند که پس از تزلزل دستگاه قلدری و فشار و رفتن شاه سابق به جزیره موریس نالهء ملت ایران را به گوش جهانیان رسانید

بعد از جنگ جهانی اول که روسها گرفتار انقلاب داخلی بودند و آمریکا پس از اینکه ویلسون ۱۴ ماده خود را داد مطابق اصل مونروئه از دخالت در سیاست دنیای قدیم خارج شد دولت انگلستان خود را فرمانفرمای جهان دانست ولی فرمانفرمایی که نسبت به ملت ایران رحم و عاطفه را کنار گذارد .

نخست به وسیله قرارداد ۱۹۱۹ اراده خود را به وسیله وثوق الدوله در مقام تحمیل به ملت ایران برآمد^۱ پس از اینکه اشکالاتی در پیشرفت این مقصود دید مضمم شد که با ملت نجیب ایران به وسیله مشت و سرنیزه رفتار کند و موجبات کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را فراهم کرد و دنباله آن کودتا که هنوز باقی است و آثار شوم آن محو نشده سلب آزادی از ملت ایران است .

در اینجا حائز یزاده به بخشی از نطق دکتر مصدق در سال ۱۳۲۳ اشاره کرد که چنین بود: «اگر امتیاز داری تمدید نشده بود در سال ۱۹۶۱ دولت نه تنها به صدی شانزده عایدات حق داشت بلکه صدی صد عایدات حق دولت بود . فرض کنیم که عایدات دولت در مدت ۳۲ سال که تمدید شده هیچوقت از ۷۵۵ هزار لیره که کمپانی برای حداقل ، معین کرده است بیشتر نشود و باز فرض کنیم که شرایط امتیازنامه جدید با شرایط امتیازنامه داری برابری کند بنابراین صدی هشتاد و چهار از عایدات که در سال ۱۹۶۱ حق دولت ایران می شود و بر طبق قرارداد جدید کمپانی آن را تا ۳۲ سال دیگر می برد ۱۲۶ میلیون لیره انگلیسی از قرار ۱۲۰ ریال ۱۶/۱۲۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال می شود و تاریخ عالم نشان نمی دهد که یکی از افراد مملکت به وطن خود در یک معامله بیش از ۱۶ میلیارد ریال ضرر زده باشد و شاید مادر روزگار نژاد کسی را که به بیگانه چنین خدمتی کند .»

۱ - لردگرن سیاستمدار نامی انگلیس درباره وثوق الدوله (برادر قوام السلطنه) می گوید یک نفر سیاستمدار برجسته ایرانی به نام وثوق الدوله که همواره طرفدار منافع انگلیس بشمار می رفت به امر شاه به ریاست وزراء منصوب شد این بود که قراردادی با دولت ایران منعقد سازد تا منافع انگلیس را در آن قسمت از عالم حفظ و حراست کند . از کتاب بردگرن .

(این خیانت صغری مربوط به قرارداد ۱۹۳۳ می‌باشد و ربطی به خیانت کبری یا خیانت شگفت‌آور ۱۹۵۳ ندارد).

از تعدید مدت نه تنها دولت از این مبلغ شگفت‌انگیز محروم شد بلکه بیست هزار سهمی هم که از سهام شرکت دارد بعد از سال ۱۹۶۱ بلا تکلیف (شرکت نفت انگلیس سهمی به دولت ایران نداد) و معلوم نیست که دولت انگلیس که قدرت خود را برای تعدید مدت به کار برد حاضر شود که از ۱۹۶۱ به بعد، صاحبان سهام صدی هشتاد و چهار از منافع شرکت را ببرند

من نمی‌توانم این را قرارداد بنام بلکه التزامنامه‌ای است که به نام ملت ایران دیکتاتور وقت به انگلیس‌ها داد و در آتیه باید این قرارداد را التزامنامه خواند .

ما می‌دانیم که هیچ وقت کمپانی محتاج نمی‌شود که به حکمیت برود . هر وقت مفاصا حساب از دولت ایران خواست ، هزیری ، گلشائینی پیدا می‌کند و مفاصا حساب می‌گیرد و محتاج نیست که برود حکمیت بخواهد تا به در دسر بیفتد .

این امتیازنامه نیست بلکه فرمانسی است که از طرف کمپانی نفت به دست مأموران خود داده شده است که به نام ملت ایران آن را امضاء کرده و ریشه کمپانی نفت را در ایران محکمتر از کمپانی انگلیس در هندوستان کنند و هست و نیست و استقلال و شرافت و ملیت ایران را در طبق اخلاص تقدیم به ساکنین رودخانه تایمز کنند

در تمام جنایت‌هایی که در این چند سال اخیر از اوایل مشروطیت به این طرف اتفاق افتاده صدی هشتادش مربوط به نفت است . یکی از حوادث مربوط به نفت مجلس مؤسسان قلابی است . آیا در تاریخ ممالک سابقه دارد که یک‌ملتی از اختیارات خداداد و مشروع خود به‌حدی ناراضی باشد که حتی اطفال دبستان دهات پس از این که شاه هوس کرد که اختیارات ملت را سلب

بد اجتماع کرده تلگرافی به مرکز و مجلس فشار بیاورند که باید در فلان اصل
مربوط به حقوق ملت است تجدید نظر شود...؟

حسین مکی: «عرایض من متن ادعاینامه ملت ایران از شرکت نفت
گلیس است. این ادعاینامه قسمت اعظمش با عدد سروکار دارد و به
سطح فنی است... بدیهی است برای تهیه این ادعاینامه از کارشناسان
و از مهندسين عالیمقام ایرانی که در رشته‌های مختلف نفت و ساختمان
غیره تخصص داشته‌اند دعوت شده‌است و با آنها این ادعاینامه تهیه شده
است.

گرچه در دوره گذشته بنده نام یکی از این مهندسين را آوردم و
فاصله پس از خاتمه دوره پانزدهم آن مهندس عالیمقام را از کار برکنار
دند و تا امروز هم آقای مهندس حسینی هنوز شغلی ندارند با اینکه این
وان یکی از افتخارات ایران است (صحیح است) و ما باید از وجود این
بیل مهندسين استفاده کنیم آقای مشرف نفیسی به جرم همین خدمتی که
پشان به کشور ایران کرده بود و گذاشته بود آن قرارداد شوم و ننگین از
صوب مجلس شورای ملی بگذرد او را از کار برکنار کرد...

استدلال شرکت نفت این است که اگر چهارهزار مهندس انگلیسی
ستخدام شده است در مقابل هم ده هزار کارگر ایرانی استخدام کرده‌اند.
بن سفسطه شرکت به هیچ وجه نه از لحاظ قرارداد ۱۹۳۳ و نه از هیچ نظر
قوقی قابل قبول نیست. اگر شرکت تمام مهندسين و مدیران و کارکنان
بی و روسای قسمت‌های خود را که منشاء اثر هستند ایرانی انتخاب کرده
ود برای خود شرکت صرفه‌مالی و اداری داشت زیرا ایرانی‌ها با حقوق کمتری
انگلیس‌ها حاضر به کار بوده و در کشور خود کار می‌کنند و لذا در شغلی
ه انتخاب کرده‌اند پارچا می‌مانند.

پس منظور شرکت از عدم اجرای این قسمت از قرارداد ۱۹۳۳ صرفه‌جوئی
ا موضوعات مالی نبوده بلکه منظورش این است که تقلبات و حساب‌سازی‌هایش

بر ایرانیان کشف نشود و دولت و ملت ایران نتواند به‌رموز کار او آشنا شود! و اگر احیانا " واقعه‌ای مانند سوم شهریور ۱۳۲۵ پیش آمد و قرار تجاوز به خاک ایران به دست قوای انگلیس گذاشته شد لاقبل چهارهزار خانواده انگلیسی در آبادان باشد که هفت تیر به کمر بسته و از پشت سر به سربازان مدافع وطن حمله کنند و یا اینکه اگر شرکت بخواهد دستگاه جاسوسی خود را در داخل ایران به دست افراد انگلیسی انجام دهد در هر ده‌کوره ایران یک مرکز فروش نفت شرکت سهامی انگلیس می‌باشد که مرکز همیسن جاسوسی است در این صورت چطور دولت ایران می‌تواند در مقابل شرکتی قند علم کند که در کنار هر جاده و هر شهر و هر فصبه‌اش یک دستگاه مجهزتر از دستگاه‌های دولتی دارد؟

استدعا می‌کنم آقایان توجه بکنند به مفهوم عرایضی که بنده به نظرشان می‌رسانم . در سال ۱۳۲۷ مجموع واردات کل کشور شاهنشاهی ایران ۲۴۷/۳۲۹ تن بوده است . صحیح است آقای معاون وزارت دارائی؟ .
معاون وزارت دارائی - لا ید .

۱ - «پرونده نفت که داستان عجیب و محرمانه بودن آن حیرت انگیز است همیشه به دست عمال مخصوص مراقبت می‌شد هیچ ایرانی غیر از عمال و اشخاص معدود حتی یک برگ آن را ممکن نبود رویت کند . ایادی شرکت سابق اهتمام عجیبی داشتند که تمام نامه‌های متبادله بین شرکت و دولت محرمانه تلقی شود و بدینوسیله رعبی تولید کرده بودند که همه از نفت و شرکت سابق وحشت داشتند و مخالفت یا سر به سر گذاشتن با آن دستگاه را خارج از قوه ایرانی و حتی بشرمی دانستند . هرکس اسم نفت را می‌آورد مورد مخالفت ایادی شرکت منقور نفت قرار می‌گرفت حتی هرکس به آبادان مسافرت می‌کرد به بهانه‌های بی‌ربطی از طرف دادسرای آنجا که در دست شرکت نفت بود توقیف می‌شد .» انقلاب نفت ایران صفحه ۱۱۶

مکی - در چند جا این موضوع را تکرار کرده است حالا بروسیم
سر شرکت فخمه نفت جنوب کالاهای رسیده توسط شرکت نفت انگلیس
جمعش را عرض می‌کنم ، بعد عرض می‌کنم حی وارد کرده‌اند . ۴۳۸/۳۲۲
تن در سال ۱۳۲۷ واردات شرکت نفت بوده است یعنی دو برابر مقداری که
به ایران آورده‌اند .

مجموع واردات بخشوده شرکت نفت دو برابر واردات کل کشور ایران
است . مطابق آماری که الان توی کیف من است و مطابق آن از کلیه گمرکات
هم در حدود ۲۷۵ میلیون تومان می‌گیریم و اگر شرکت نفت وارداتش دو
برابر باشد ۵۶۰ میلیون تومان می‌شود و اگر این ۵۶۰ میلیون تومان گمرک
شرکت نفت را به لیره حساب کنیم ۶۰ میلیون لیره می‌شود .

اگر نفت جنوب را مجانی ببرند و فقط گمرک ورودی داده شود ۶۰
میلیون لیره در سال باید بدهند . در کجای دنیا پسندیده است که یک
نخست‌وزیری بلند شود برود پشت تریبون و برای پایمال کردن همین ۶۰
میلیون بیانی بکند که چهار روز بیشتر در این مملکت نخست‌وزیر بماند ؟ . . .
ای داد با بچه‌تیم هم اینطور معامله نمی‌کنند ؟

به هر حال این بود داری موثر قرارداد الحاقی که طبیبان حاذق
حکومت ساعد یعنی خود ایشان و آقای گلشائیان برای مجلس پانزدهم و ملت
ایران تحفه آورده بودند و به حمدالله با فداکاری اقلیت و کمک فکری
مهندسين عالی‌مقام حزب ایران ، سایندهگان شرافتمند مجلس پانزدهم با
سکوت پر معنای خود عملاً " رد کردند و حال آنکه در آن روز سه اندازه‌ای
که امروز افتضاح این لایحه بر هر فرد بی‌سواد ایرانی نیز ثابت شده است
روشن نبود چون بحث‌های مفصل و نوشتجات و مقالات متعددی که در
روزنامه شاهد و جبهه‌آزادی و چند مقاله‌ای که در اطلاعات و مجله اقتصادی
منتشر شد جای این نوع توهمات را برای هیچ کس باقی نگذارده است .
راجع به بیلان شرکت در آخر دوره پانزدهم بنده استناد به یک ماده‌ای

کردم که شرکت نفت در بیلان عینا" نوشته است که حساب سود بعضی از شرکت‌های تابعه را ما به صاحبان سهام نمی‌دهیم زیرا این حساب سرسام‌آور است و بنده عین آن ماده را قرائت کردم و به آقای گلشائیان گفتم شما که اینقدر دم از بیلان شرکت می‌زنید و می‌خواهید بیلان شرکت نفت را در این مجلس رسمیتش و درست بودنش را تصدیق بگیرید شرکت نفت خودش نوشته است که ما حساب سود خودمان را نمی‌دهیم. بعد آقای گلشائیان به اعضای اداره امتیازات وزارت دارائی فشار آورده بود که این بیلان شرکت نفت را کی به مکی داده است؟.

ملاحظه بفرمائید که بیلان شرکت نفت هم در وزارت دارائی بطور محرمانه بایگانی می‌شود و حتی این تخلفات که در بیلان دیده می‌شود می‌خواهند از نظر ملت ایران مکتوم باشد و ندانند که با این بیلان‌ها چه کلاه بزرگی به سر ملت ایران می‌گذارند.

.... وظیفه دیگر نماینده ایران حضور در جلسات صاحبان سهام شرکت نفت و حتی تقاضای تشکیل جلسات مخصوص هیئت مدیره می‌باشد و به نظر یکی از کارشناسان حسابداری که مطالبی ضمن شماره ۵ روزنامه جبهه آزادی ارگان مرکزی حزب ایران انتشار داده جای تعجب است که چگونه نماینده ایران در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام که بیلان ضمن آن مطرح بوده است حضور بهم رسانیده و با وجود نطق رئیس شرکت که سندیت دارد نسبت به رفتار غلط شرکت نفت از نقطه نظر تأمین منافع ایران اعتراض نکرده است. این طرز انجام وظیفه نماینده کشور شاهنشاهی است. ۱.

ضررهای مالی که از این راه به اقتصاد کشور ایران وارد آمده است صرفنظر از معایب و مضار معنوی آن تا آخر ۱۹۵۰ بالغ بر ۴/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌شود و این مبلغ در حدود پنجاه میلیون لیره یعنی بیش از پنجاه در صد کل عوایدی است که در همین مدت بابت حق الامتیاز و مالیات و ۲۰ درصد اضافه سود سهام و غیره عاید ایران خواهد شد.

بطور کلی شرکت نفت اجازه بازرسی محاسبات و دفاتر خود را به
ولت ایران که در منافع شرکت نفت مشارکت دارد نداده است و خسارات
اشی از این امر در روزنامه شاهد به خصوص در شماره‌های روزنامه
بهبه‌آزادی، ارگان مرکزی حزب ایران منتشر شده است. . . . از طرفی شرکت
فت همواره با نیرنگ‌های شیطانی خود در هر فاصله ۱۵ تا ۲۰ سال وسائلی
راهم می‌کند تا تصفیه حسابی از دولت ایران بگیرد.

این عمل تصفیه حساب یک بار در ۱۹۲۰ با قبول پرداخت یک میلیون
بیره که به مصرف تغییر رژیم حکومتی ایران رسیده است و یک بار در ۱۹۳۳
که منجر به عقد آن قرارداد ننگین و تمدید مدت ۳۳ ساله شد و دفعه سوم
همین قرارداد الحاقی است. . . . که ضمن کتاب خیانت‌های گلشایان و
بشربه شماره ۹ حزب ایران مندرج است. . .

دکتر مصدق در استیضاح خود از نظر سیاسی ضمن بحث مفصلی گفت:
«قرارداد آن دوره باطل است برای اینکه طرفین هر قرارداد باید اول
صلاحیت انعقاد آن را داشته و بعد هم آزاد باشند و در امضاء و تصویب آن
هم اجباری نداشته باشند و شما خوب می‌دانید که اکثریت قریب به اتفاق
نمایندگان دوره دیکتاتوری نمایندگان حقیقی ملت ایران نبوده و وزراء هم
برای انجام وظایف خود آزادی عمل نداشتند و آقای تقی‌زاده وزیردارائی
وقت و امضاءکننده آن قرارداد در مجلس پانزدهم اینطور اظهار کرده‌اند.

«من شخصا "راضی به تمدید نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری
در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده
که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد او خود هم راضی به تمدید
مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات روبروی آن‌ها به
تحاشی و وحشت گفت: عجب این کار که به هیچ وجه شدنی نیست، می‌خواهید
که ما سی سال برگزشتگان برای این کار لعنت کردیم پنجاه سال دیگر مورد
لعن مردم و آیندگان بشویم ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد. . . .»

در سال ۱۳۲۳ وقتی که ماده واحده تحریم امتیاز نفت از جانب بنده به تصویب رسید بعضی از اعضاء حزب توده و اشخاص هواخواه سیاست شوروی که به من اعتراض کردند و وارد مذاکره و بحث شدند نظرشان این بود که موازنه سیاسی وقتی درست می شود که اول موازنه را برقرار کنید و بعد مراقبت و نظارت نمائید که بر هم نخورد و می خواستند که یک فرار دادی هم مانند قرارداد شرکت نفت برای دولت شوروی تصویب شود .

گفتم دیگر برای ایران چه می ماند که موازنه را حفظ کند ما می خواهیم که مجلس چهاردهم به هیچ دولتی امتیاز ندهد و هر وقت هم که مقتضی شد آن را که داده است الغاء کند . دولت انگلیس وضعیتی ایجاد کرد تا بتواند به مقصود برسد دولت دیکتاتوری تشکیل داد و ایران را دچار اختناق نمود تا قرارداد سال ۱۹۳۳ به تصویب رسید بر فرض اینکه من باشم موافقت بکنم آیا تصور می کنید که این مجلس برای دولت شوروی که بیش از هشت رأی ندارد امتیاز تصویب کند ؟ .

اکنون سؤال می کنم آیا صلح بین المللی اقتضا می کند که ما سیاست موازنه منفی را دنبال کنیم و دولت انگلیس هم از حمایت کمپانی دست بکشد تا ایران بتواند معادن نفت خود را استخراج کند و با هر دولتی که احتیاج به نفت دارد معامله نماید یا اینکه دولت شوروی شرکتی مختلط تشکیل دهد و معادن نفت شمال را هم آن دولت استخراج نماید ؟ . . .

از مذاکرات دیروز آقای رزم آراء در مجلس سنا این طور برمی آید که او را برای اجرای قرارداد (ساعت - گس) آورده اند . امیدوارم که نمایندگان حساس و وطن پرست به سینه این نامحرم دست رد بزنند و با دادن یک ورقه کبود ثابت کنند که ایرانی به تسلیم وطن خود تن در نمی دهد . در هر کجا افسران برای دفاع از حقوق مملکت جنگ می کنند و کشته می شوند ولی در این مملکت سپهبد می خواهد دست و کلاه را ببندد و تسلیم شرکت نفت کند . ای مرگ بر آن کسانی که به جای خدمت ، خیانت به وطن را پیشه

خود قرار می دهند .

در خاتمه لازم می دانم از آقایان رحیمیان ، امیر تیمور ، عباس اسکندری ، مسعود ثابتی ، مهندس رضوی نمایندگان دوره پانزدهم که در این مجلس نیستند و از منافع ملت ایران راجع به نفت دفاع کرده اند و دفاع آقای اسکندری بقدری موثر واقع شد که آقای تقی زاده مجبور شدند حقایق را در مجلس اظهار کنند و همچنین از آقای مهندس حسینی تشکر کنم . .

(دنبالهٔ مذاکرات دربارهٔ نفت)

حسین مکی : « آقایان فراموش نفرمائید که جنایات تاریخ مشمول مرور زمان نمی شود . . . هر کس در این مورد دانسته یا ندانسته بر علیه منافع ملت ایران رأی بدهد و عملی بکند ، جنایتش مشمول مرور زمان و قابل بخشایش نیست و من امیدوارم که یک محکمه تشکیل بشود و به حساب کسانی که در این کشور خیانت کرده اند دقیقاً " رسیدگی کند و آن ها را به سزای اعمال زشتشان برساند (آشتیانی زاده - انشاء الله) .

آقای رزم آراء گفتند که نماینده به کمیسیون فرستاده اند . خیر آقایان ما خودمان که عضو کمیسیون بودیم نماینده خواستیم ایشان نفرستادند . خودمان آمدیم آقای دکتر پیرنیا را خواستیم . لایحه مدافع لازم دارد ، مدافع این لایحه کیست ؟ . دیروز آقایان بودند که من از آقای دکتر پیرنیا پرسیدم اگر شما وزیر دارائی بودید وجدانا " مدافع این لایحه بودید ؟ . گفتند خیر ، لایحه را پس می گرفتیم . این لایحه حقوق ما را تأمین نمی کند . . . دکتر شایگان : « بنده دو سه کلمه راجع به اثرات اخلاقی اقدامی که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی می کنند به ملت ایران عرض می کنم . مللی که به حال رکود یا حتی نکس اخلاقی مثل ما می افتند محتاج اند به یک محرک قوی . اگر آن محرک قوی نرسد ملتی که در انحطاط افتاده است روبه شیب فساد می رود . یک محرک قوی لازم است که جلوی این سیر نزولی

را بگیرد .

محرك قوى اخلاقى لازم دارد و محرك اخلاقى به دروغ و به حرف نمى توان درست كرد فايدهاى ندارد كه بنده بروم در ميدان بگويم ملت ، شما زنده هستيد ، زنده بشويد . كسى اين حرفها را به دو فاز نمى خورد . محرك اخلاقى واقعى مى خواهد محرك اخلاقى واقعى عبارت از اين است كه به اين ملت اميد بدهيد . به يك ترتيبى اين ملت را اميدوار كنيد از اين حالت يأس بيرون بياوريد بايد به او بگوئيد كه تو نمايندگانى دارى مجلس شوراى ملي دارى و اينها فكر تو هستند و بين چه اقدامى براى تو كردند .

اين محرك اخلاقى عبارت از اين خواهد بود كه نمايندگان محترم مجلس شوراى ملي با يك قيام مردانه اينجا تصميم بگيرند و بگويند كه اين شركت نفت شرش را بايد از سر ملت ايران كم كند (نمسايندگان - صحيح است) به محرد اين كه شما اين تصميم را گرفتيد ملت را زنده كرده ايد . ملت مى گويد بلى چيزى هست اين حرفهاى كه مى زنند پشت اين حرفها عملى هست . شما با اين عمل خودتان حس مليت را زنده مى كنيد .

اين حرفهاى كه بنشينيد تبليغ بى جا بكنيد . اين ترسا پسر (اشاره به فروهر وزير دارائى) بوق بزند هيچ فايدهاى ندارد . آن ترسا پسر بچه خيلى مقام دارد آقا بايد بگويم من باعث ترفيع مقام تو شدم . اگر نمايندگان اكثريت و اقليت با تو مخالفت نمى كردند اينطور طرف توجه شركت نفت واقع نمى شدى .

اقدامى كه شما نمايندگان محترم مجلس شوراى ملي بكنيد و تصميمى كه بگيريد عكس العمل آن عبارت از اين خواهد بود كه ملتى را زنده كرده ايد . حس مليت را در اين مردم ايجاد كرده ايد . مردم را به زندگى اميدوار كرده ايد . علاقه مند كرده ايد . به دروغ نمى توانيد مردم را زنده كنيد . به دروغ نمى توانيد حس ملي ايجاد كنيد

اکنون تمام اذهان متوجه بدبختی‌های ناشی از وجود شرکت نفت است و بایستی شر این شرکت کنده شود (نمایندگان - احسنت) . . . آقایانی که در باب ملی کردن نفت با من صحبت کردند دیدم آن‌ها ناراحت هستند . از ملی کردن ترس دارند . ترس آن‌ها از دو جهت است یکی از جهت نظری و یکی از جهت عملی . ترس آن‌ها این است که آیا اولاً " ما حق داریم همچو کاری را بکنیم یا نه؟ . ثانیاً " ترس آن‌ها در این است که اگر هم چنین کاری شد شاید که ما نتوانیم از عهده اداره آن برآئیم .

بنده دو سه کلمه در باب این دو مطلب به عرض می‌رسانم . اولاً " در مورد اول قراردادی که اینقدر پوچ است اعلان بطلانش هیچ اشکالی ندارد و هر چیزی که نتیجه اش ابطال آن باشد آن هم همینطور است . اما دوسه مطلب از مطالب نظری و حقوقی که به عقل ناقص بنده می‌رسد اینجا عرض می‌کنم . در این قضیه ملی کردن نفت به آن معنای خاص یعنی دولت متصدی اکتشاف و بهره‌برداری بشود هیچ اشکال قانونی وجود ندارد به چند دلیل . اول این است که تا به امروز که بنده اینجا شرف حضور دارم هنوز حاکمیت ملل موضوعش منتفی نشده است .

آقایان حقوق‌دان جناب آقای دکتر معظمی اینجا تشریف دارند . هنوز جامعه بین‌المللی ، محیط بین‌المللی به اینجا نرسیده است که بگوید حاکمیت ملی موضوع ندارد . نه به اینجا نرسیده بلکه یک برگشتی هم پیدا شده است . به دلایلی که بنده لازم نیست عرض کنم . اصرار دارند که بگویند فوق حاکمیت ملی چیزی نیست .

این مطلبی است که در محیط بین‌المللی رواج کلی دارد . بنابراین البته ملت ایران هم حاکمیت ملی دارد و چون حاکمیت ملی دارد حق دارد به تشخیص خودش هر قسم صنعتی را که صلاح بدانند ملی اعلام کند . البته ملی اعلام کردن صنعت نفت ملازمه با اعلام ابطال آن قرارداد هم دارد . به یک تیر دوشان می‌شود .

دلیل دوم - از آن جایی که خداوند بایستی دشمنان را رسوا کند ما سوابقی هم همین چند ماهه و چند ساله داریم که آن‌هایی که ممکن است بالفرض مدعی ما بشوند ما بتوانیم مطابق اصول دعاوی قول خودشان را جلویشان بگذاریم . بهترین دلیل همین است . بنده که وکیل دعاوی هستم سعی می‌کنم که همیشه دلیلی که بر علیه طرفم می‌خواهم اقامه کنم متن آن دلیل را از بیانات و از نوشته‌های خود طرف بگیرم . این از قاطع‌ترین حرف‌ها است همیشه نمی‌شود ولی اگر بشود خیلی خوب است . می‌گوئیم که چطور است که شما راجع به برمه^۱ در منتهای ملت خواهی و انسان دوستی ذکر فرمودید که ملت برمه حاکمیت ملی داپرد و می‌تواند صنایع نفت خودش را ملی اعلام کند اما ما نمی‌توانیم ؟

... بنابراین چون امروز این منافع خصوصی مقابله شده است با منافع عمومی ملت ایران این قرارداد را بر فرض محال اگر صحیح هم باشد ابطال می‌کنیم ، حقوق رم اساسی روی آن الواح دوازده گانه است و رم اساس حقوق غرب است در آن الواح دوازده گانه یک جمله‌ای هست که

۱ - هنگامی که کشور برمه نفت خود را ملی کرد توان وزیر امور خارجه انگلیس در پاسخ نماینده‌ای در مجلس عوام انگلیس گفت : « من خیال می‌کنم که این مجلس هیچ وقت نخواهد خواست که ما با دولت بیرمانی وارد جنگ شویم زیرا طبق منشور ملل متفق موادمخام در هر کشور از آن مردم آن کشور است و اگر خسارات را بگونه‌ای درست و عادلانه بپردازند ما موافقت داریم و نمی‌توانیم در امور داخلی کشوری مداخله داشته باشیم . . »

کشور جمهوری برمه در آسیای شرقی دارای حکومت سوسیالیستی بود که دست به ملی کردن صنایع زد و برای این کار بدون اختلاف همه یک دل و یک زبان تا آخرین لحظه پیروزی ایستادگی کردند و چون بیگانگان در میان آن ملت پایگاه و سرسپردگانی نداشتند پیروز شدند .

برای بنده به اندازهٔ این کوه البرز طلا قیمت دارد و آن این است که می‌گوید (نجات ملل فوق تمام قوانین است) برای این‌که بیم ابداع و اختراع نرود عین آن را نقل می‌کنم که اینجا قید شود (سالوس پوپلی سوپیر مالکس استو)

(چند نفر از نمایندگان - باز هم بفرمائید) .

بنده اول فارسی را عرض کردم . عرض بنده این است که در آن الواح دوازده‌گانه می‌گوید هر وقت قوانین حقوق خصوصی مقابل شد با قانونی که نجات یک ملت در آن هست آن قوانین ملغی است (سالوس پوپلی سوپیر مالکس استو) عرض کردم به اندازه کوه البرز طلا برای من قیمت دارد . . .

دکتر بقائی : « برای این که وقت مجلس زیاد گرفته نشود به اطاعت امر پیشوای جبهه ملی آقای دکتر مصدق ، بنده از ذکر آن مطالبی که در نظر گرفته بودم صرف نظر می‌کنم و فقط روئوس مسائل را حضور آقایان عرض می‌کنم

مالیاتی که شرکت نفت به دولت انگلستان می‌پردازد و سایر درآمدهای دولت انگلیس را از نفت اگر حساب کنیم می‌بینیم آنچه که از نفت ایران عاید خزانه انگلستان می‌شود بیش از ده برابر مبلغی است که به دولت ایران یعنی به صاحب اصلی نفت پرداخت می‌شود و فعلاً " هم کاری ندارم به اینکه توضیح بدهم که همین مبلغ مختصری را که به ما می‌دهند با چه دسائسی و با چه حیل‌های به دست مزدوران خودشان دوباره از ما پس می‌گیرند .

این برای پیشوای محبوب ما و برای ما منتهای افتخار و سربلندی است که روزنامه‌های رزم‌آرائی و روزنامه‌های روسی (منظور روزنامه‌های حزب توده است) یک نواخت به ما فحش می‌دهند این برای ما کمال خوشوقتی است که روزنامه‌های ما را توقیف کنند و قلم‌های ما را بشکنند ولی به آن‌ها کسی کاری ندارد و آن وقت این پولی که ما از شرکت نفت تا حالا گرفته‌ایم چکار کردیم ؟ کدام لیره‌اش به حیب ملت ایران رفت ؟ آیا جز این است که یک مقصدارش

به اسم ذخیره ملی در بانک‌های انگلستان ماند و با همان اسلحه وارد شد
غیر از چند نفر جاسوس و خائن که می‌خواهند در سایه نوکری انگلیس در
این مملکت وزارت بکنند دیگر چه چیز ما داریم که بترسیم . .

(ترور رزم‌آراء)

یک ساعت و ربع به ظهر روز ۱۶/۱۲/۱۳۲۹ رزم‌آراء نخست‌وزیر در صحن
مسجد شاه هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. یونایتد پرسی از تهران گزارش داد
که فدائیان اسلام از چندی پیش از رفتار شخصی رزم‌آراء در برابر درخواست
ملت در مورد ملی کردن صنعت نفت ناراضی بودند و وی را عامل انگلیس‌ها
می‌دانستند

بنا بر شایعه‌ای علت اصلی قتل رزم‌آراء این بود که گویا وی قصد داشته
است روز پنج‌شنبه ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ انحلال مجلس شورای ملی را اعلام دارد . . .
عقاید عمومی آن بود که حادثه قتل رزم‌آراء بهیچوجه ارتباطی با تلاش
حزب توده ایران نداشت. وی با آن که با استفاده از پشتیبانی مقامات
امریکائی روی کار آمده بود مع الوصف بیشتر ایام زمامداریش به گسترش
مناسبات دوستانه با شوروی گذشت در تهران گفته می‌شد که قتل رزم‌آراء
بستگی به سیاست داخلی کشور داشت.

بنا بر خبر، خیرگزاری انگلیس، رزم‌آراء می‌خواست روز پنج‌شنبه مجلسین
را منحل کند. در این باره کتاب تاریخ انقلاب نفت ایران در صفحه ۱۳۷ خود
چنین نوشته است: «رزم‌آراء توطئه مهمی برضد رژیم ایران طرح کرده بود
که از مدتی پیش مقدماتش را فراهم ساخته بود . . . در اینکه این کودتا کاملاً
به نفع شرکت نفت تمام می‌شد تردید نباید داشت . .

روزنامه ابزرور که از محافظه‌کاران و مؤثر در سیاست تراست‌های نفتی
است در هیجدهم فوریه از این نقشه پرده برداشته و می‌نویسد ایران تنها
به قاعدی نیاز دارد که بتواند علیه وضع فعلی قیام کند. پادشاه ایران با

مودی که درانتصابات وزراء و ادارات دخالت کامل دارد معینا بطرز
اسبی برای بهبود اوضاع دخالت نمی کند . . . دنباله نقشه رزم آراء پس
انحلال مجلسین اعتصاب و سپس اجتماعی بود که همان روز در میدان
بارستان برگزار می شد و منجر به کشته شدن چندتن از نمایندگان اقلیت
جراید مخالف می شد و آنگاه بلافاصله حکومت نظامی برای جلوگیری از
ن حوادث و نیز آشوب های بعدی اعلام می گردید .

موضوع قابل توجه این است که اقدامات رزم آراء در لباس (کودتای
دهای) صورت می گرفت و چون آن ها را از مدت ها پیش بر ضد (جبهه ملی)
به گونه تقویت کرده بود می خواست به توطئه جدید شرکت نفت بدین صورت
افه انقلابی بدهد و رژیم پارلمانی را سرنگون کند چون یک لیست ۲۰۰ نفری
ای دستگیری و از بین بردن شخصیت های ملی و برخی از پیشوایان مذهبی
ضر کرده بودند .

معاون وزارت امور خارجه آمریکا گفت : «قتل بی رحمانه رزم آراء برای
لم آزادی و عدالت اجتماعی ضایعه ای به شما رمی رفت . .

محافل رسمی لندن از اینکه احتمالا " یک نفوذ بیگانه از حادثه قتل
ست وزیر ایران استفاده کند ابراز بیم و هراس می کردند و می گفتند که
تل نخست وزیر ایران عاری از جنبه سیاسی است یک مقام انگلیسی اظهار
شته بود که اقدام رزم آراء به امضای قرارداد بازرگانی با دولت شوروی برای
ان مفید بود . .

بنابه گفته رادیو لندن : «در انگلستان آگاهان به امور ایران ایس
بعه تأثر انگیز را با انزجار و نگرانی تلقی کردند . آنان می گفتند که در
ر بین المللی رویه رزم آراء این بود که از حد اعتدال بیرون نرود و برای
که جبران مخالفت با جبهه ملی را مبنی بر ملی کردن نفت بکنند موفق

شد که با اتحاد جماهیر شوروی معاهده تجارتي برقرار کند.^۱
اما روزنامه ديلي اکسپرس نوشته بود که قتل رزم آراء "کاملا" جنبه سياسي داشته است.

يوناييتدپرس از تهران گزارش داد که «فدائيان اسلام روز شنبه ۱۳۲۹/۱۲/۱۹ به شاه و وزيران دولت رزم آراء اطلاع داده اند که چنانکه قاتل رزم آراء ظرف سه روز از زندان آزاد نشود مواجه با مرگ خواهند شد»

در اين گزارش که در روزنامه نبرد ملت ارگان جناح راست فدائيان اسلام منتشر شده بود افزوده بودند «حکومت که بطور غير قانوني زمام امور را در دست گرفته است بايد بداند که اگر به مدت سه روز با احترامات لازمه برادر رشيد ما خليل طهماسبي را رها نکند قدم به قدم به مرگ نزديک خواهند شد. در پايان اين گزارش خليل طهماسبي را مرد مقدس ناميده

۱ - دکتر مصدق در جلسه علنی ۱۳۲۹/۶/۳۰ گفت: من تا ديشب اطلاع نداشتم اين عهدنامه تجارتي روی چه نظرياتي است. ديشب اطلاع پيدا کردم اين عهدنامه يک امتيازاتي را در شمال به دولت شوروی می دهد. قهرا "نتيجه اين عمل اين خواهد شد که به دولت انگليس يک امتيازاتي در جنوب داده شود تا آن امتيازات در شمال به دولت شوروی داده بشود. در اين صورت ما می بایست هرچه برای دولت شوروی در شمال تصديق می کنیم برای دولت انگليس هم در جنوب تصديق کنیم و در نتيجه منطقه نفوذ و سياست را در اين کشور برقرار کنیم.

آن ها خوب فهميده اند که قرارداد ۱۹۰۷ با روحيه دنياي امروز مطابقت نمی کند و اگر بخواهند چنين قراردادی ببندند برخلاف مقررات منشور ملل متفق و برخلاف آمال و آرزوهای مردم ايران است. لذا آمده اند و آن را به صورت ديگری درآوردند.

بودند ..

مجله نایم دربارهٔ قتل رزم آراء نوشت: «..... هفته گذشته چهارتیر پیاپی به خاطر نفت و اسلام در تهران شلیک شد که صدای آن در سراسر دنیا شنیده شد. علی رزم آراء بهترین نخست وزیر ایران پس از جنگ بین الملل دوم بود. طهماسبی قاتل وی مردی نجار بود و در مسجد قرآن قرائت می کرد.....»

واشنگتن و لندن از حادثه قتل رزم آراء تکان خورده بودند. چندروز بعد خیرگزاری فرانسه گزارش داد (۱۳۲۹/۱۲/۲۸) «مطبوعات شوروی که تاکنون دربارهٔ رویدادهای ایران سکوت کرده بودند با انتشار مقاله‌ای در روزنامه پراودا سکوت را شکستند. پس از دوازده روز، روزنامه پراودا عمال امریکائی را مسئول قتل سپهبد رزم آراء معرفی کرد.

کتاب تاریخ انقلاب نفت ایران صفحه ۱۴۱ می نویسد: «در مراسم مجلس ختم مردانه مرحوم رزم آراء در مسجد سپهسالار والاحضرت شاهپور علیرضا تشریف فرما شدند ولی مجلس ختم بدون موعظه برجیده شد زیرا هیچ واعظی حاضر نشده بود که وعظ آن روز را بیان نماید. مجلس ترحیم زنانه نیز بوسیله والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی در منزل رزم آراء برجیده شد ..»

در آن هنگام چنین می نمود که یک حالت بهتی بهر دوسیاست انگلیس و امریکا دست داده بود و نقشه های پنهانی در این باره نمی توانست حضور ذهن پیشین را در سیاستمداران ایجاد کند و آشکارا مشاهده می شد که سردرگمی شگفت آوری در میان دیپلمات های بیگانه وجود دارد با این تفاوت که سیاست تازه نفس امریکا زودتر توانست خود را با رویدادهای سیاسی پس از آن هم آهنگ نشان دهد.

جمعیت نیمه مخفی فدائیان اسلام که قاتل رزم آراء عضو آن بود یک جمعیت اسلامی تروریستی می بود. بیشتر افراد آن مسلمانان یا ایمان می بودند

نواب صفوی اعتقاد راسخ به روش تروریستی در سیاست داشت وی زندگی بسیار ساده داشت و با ایمان در راه آرمان خود جان سپرد. برای آگاهی نسل جوان باید یادآور شد که روزنامه «نبرد ملت» از طریق اسدالله علم ارتباط با محافل داشت که منجر به انشعاب یا درگیری‌های دیگری پس از حادثه قتل رزم آراء شد.

حتی سال‌ها پس از برقراری دیکتاتوری وحشتناک پهلوی دوم شخصی به نام کرباسچیان می‌خواست سلسله یادداشت‌هایی درباره «انگیزه» ترورهای فدائیان اسلام در یکی از مجلات بنویسد که «ساواک» جلوگیری کرد و اتفاقاً همین شخص بود که در روزنامه «خود» (نبرد ملت) نوشت که نواب صفوی از رهبری این جمعیت کنار گذارده شده است.^۱

باید دانست که رزم آراء خطر بالقوه‌ای برای شاه ایران بود و با شتاب می‌رفت تا به خطر بالفعلی تبدیل شود. رزم آراء «تحقیقا» هر سه دولت

۱- آقای کرباسچیان بعد از ۲۸ مرداد حزب خلق را به وجود آورد و روزنامه «نبرد ملت» را ارگان آن کرد و با توجه بسیار کلانی که در آن زمان از دربار گرفت تلاش می‌کرد که طرفداران نهضت ملی و حزب توده را که پس از ۲۸ مرداد مانع فعالیت‌هایشان شده بودند بسوی حزب خلق بکشد. برخی از اعضاء «انجمن اسلامی دانشجویان» نیز به ظاهر به این حزب گرویدند اما پنهانی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند.

در این مورد گفتنی زیاد است اما باید دانست یکی دیگر از کسانی که از این ماجرای آگاهی داشت و روی دست کرباسچیان بلند شده بود علی‌کیا بود که برای پیش فروش روزنامه «نبرد ملت» تلاش بسیار می‌کرد و بعدها کرباسچیان وی را در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات به عنوان شیاد معرفی کرد و شایع ساخت که یکصد هزار تومان پول حزب را برداشته است. و در اینجا ما می‌افزاییم که این داستان درازی است.

بزرگ خارجی و با نفوذ را در صحنه سیاسی در دست داشت با دولت شوروی قراردادهای اقتصادی بسته بود، رهبران حزب توده را از زندان فراری داده بود و تلاش‌های آشکار اجتماعی، سیاسی و انتشاراتی حزب توده را آزاد گذارده بود.^۱

دولت رزم آراء پشتیبان جدی و پا برجای منافع انگلستان بود و این دولت نیز چون نخستین روزهای زمامداری رضا شاه به رزم آراء می‌نگریست و به تحکیم زیربنای حکومت رزم آراء می‌پرداخت و همانگونه که «این هرن»^۲ زمینه مناسبی برای حکومت رضا شاه فراهم کرد^۳ در زمان رزم آراء سال ۱۳۲۸ نیز «تورنبرگ» برای تهیه زمینه مناسب زمامداری رزم آراء تلاش بسیار کرد.

وی علاوه بر اقداماتی که نزد امریکایی‌ها برای جلب موافقت آنان با نخست‌وزیری رزم آراء انجام داد با گروهی از شخصیت‌های مخالف دولت رزم آراء نیز گفتگو کرد و کوشید که توافق آنان را با زمامداری رزم آراء جلب کند.^۴

تورنبرگ حتی برای آنکه سران جبهه ملی را به رزم آراء نزدیک کند از وجود شخصی به نام «چارلز توماس» که او نیز از دلالت نفتی بود استفاده کرد اما با وجود ملاقات‌های چندی که یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی با توماس گرفتند، جبهه ملی حاضر به همکاری با رزم آراء نشد.^۵

۱ - رزم آراء اعتقاد داشت که جبهه ملی را بایستی با دست حزب توده از میان برداشت.

۲ - IN.HERN

۳ - پیرفونتن - جنگ سرد نفت

۴ - تهران مصور ۱۳۴۵/۸/۲۲

۵ - توماس با دکتر بقائی مذاکرات مفصلی کرده بود.

در بیانیه گلیست‌های فرانسه (پیروان دوگل) که در آن زمان سیاست تند ضد انگلیسی را دنبال می‌کردند آمده بود که «مقامات پنهانی در انگلستان تلاش می‌کنند دربارهٔ ایران با شوروی‌ها کنار بیایند و این عناصر همانگونه که در زمان دیکتاتوری هیتلر می‌کوشیدند با او کنار بیایند پس از پایان جنگ نیز می‌کوشیدند با شوروی‌ها نیز به‌همین شیوه رفتار کنند و اکنون مایل‌اند به هر قیمت که شده مناطق نفوذی در ایران برای انگلیس و شوروی به وجود آورند».

شاه در نمان دربارهٔ رزم‌آراء یک سیاست دو پهلو و متغیر را بازی می‌کرد از یکسو در برابر جبهه ملی رزم‌آراء را برای رعایت نظریات شرکت نفت انگلیس تأیید می‌کرد و از سوی دیگر شدیداً " به جلوگیری از نزدیکی رزم‌آراء به سیاست‌های شمال و جنوب می‌کوشید زیرا نزدیکی رزم‌آراء را به ویژه به سیاست بریتانیا برای آیندهٔ خویش خطرناک می‌دانست به‌بیان دیگر سیاست رزم‌آراء خطراتی آنی برای جبهه ملی و خطراتی آتی برای دربار در برداشت زیرا در زمان رزم‌آراء زمینه همکاری تنها برای سیاست روس و انگلیس در ایران فراهم می‌شد و روح توافق ۱۹۰۷ عملاً " به وجود آمده بود .

(بازتاب کشتن رزم‌آراء در مبارزهٔ نفت)

مرگ رزم‌آراء احساسات و تظاهرات مردم را گسترش داد و همین طغیان احساسات و فزونی آگاهی عمومی بهترین زمینه را برای ارائه مجدد ملی‌شدن نفت فراهم کرد در آخرین جلسه کمیسیون خاص نفت گفتگوی مفصلی در گرفت پانزده نفر از اعضاء کمیسیون خاص نفت در جلسه حاضر بودند . گفتگوی نخستین در اطراف فورمول‌های پیشنهادی دور می‌زد که پس از آن به مسئله تمدید قرارداد رسید . نمایندگان اقلیت (فراکسیون وطن) با این فکر شدیداً مخالف بودند در نتیجه گفتگو به‌درازا کشید . اعضای کمیسیون خاص نفت که

(به استثناء جبهه ملی) با جریان ترور رزم آراء غافلگیر شده بودند و خود را قادر به مقابله با احساسات و افکار مردم نمی دیدند پس از گفتگوی بسیار ناچار از تمکین فراکسیون وطن شدند .

اینک متن تصمیم کمیسیون خاص نفت در پایان نشست دوره اول .
«نظر به اینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول قرار گرفته است و از آنجائی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می نماید .»

باری طرح ملی شدن نفت به جلسه علنی ۱۳۲۹/۱۲/۲۲ مجلس شورای ملی رفت . در این جلسه دکتر مصدق برای آماده کردن ذهن دیگر نمایندگان چنین گفت : «در اوایل دوره ششم که مرحوم مستوفی الممالک زمامدار شده بود برای رفع اختلاف شرکت با دولت کمیسیونی در مجلس انتخاب و عضویت آن نصیب من گردیده بود . پس از مذاکرات و تبادل افکار عقیده مند شدم که تا شرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال سیاسی و اقتصادی خود بهره مند شود و آرزو می کردم روزی فرا رسد که ملت ایران بتواند این زنجیر بدبختی و این حلقه اسارت و بندگی را پاره کند .»

در اواسط سال ۱۳۲۳ وقتی که کافتارادزه^۱ برای تحصیل امتیاز نفت شمال به ایران آمد موقع مناسب به دست من رسید که از مضار آن ورق پاره (قرارداد ۱۹۳۳) در مجلس حرف بزنم و معایب گفته شده را علت طرح

۱ - کافتارادزه از طرف دولت شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال بر مبنای ۴۹ ایران و ۵۱ شوروی به ایران آمد . حزب توده با پیشنهاد وی موافق بود اما دکتر مصدق و یارانش با این پیشنهاد و نیز هرگونه دادن امتیاز نفت به هر بیگانه ای مخالف بودند .

پیشنهادی خود راجع به تحریم امتیاز نفت قراردادهم .

نظر من در تمام آن دوره پیروی از سیاست موازنه آن هم منفی بود نه مثبت . در صیررتی که نظر نمایندگان حزب توده در مجلس این بود که موازنه وقتی برقرار می شود که همسایه شمالی هم در شمال از حقوق و مزایای شرکت نفت یعنی دولت انگلستان در جنوب بهره مند شود .

بنابه عقیده من آقای رحیمیان پیشنهادی در جلسه علنی مجلس به من داد که آن را امضاء کنم ولی خودداری کردم و امروز می توانم به عرض جامعه برسانم که علت این خودداری چه بود .

پیشنهاد ایشان امتیاز شرکت نفت را الغاء می کرد ، چنانچه قرارداد داری هم مآخذ عملیات شرکت قرار می گرفت چون حق الغای امتیاز برای دولت در آن شناخته نشده بود الغاء امتیاز سبب می شد که بر طبق یکی از مواد همان قرارداد اختلاف بین شرکت نفت و دولت منجر به حکمیت شود و معایب حکمیت هم بر آقایان پوشیده نیست و چون تا آن زمان سیه کاری های شرکت نفت و زیان معامله او تمام گفته نشده بود و ملت ایران از اوضاع رقت باز خود آگاهی کافی نداشت . و سیاست جهانی وقت اجازه نمی داد که در آن ایام از ملی شدن صنعت نفت در مجلس کمترین اظهاری بشود و هیچ کس از نمایندگان هم غیر از من پیشنهاد آقای رحیمیان را امضاء نمی کرد چونکه اکثریت مجلس هواخواه سیاست انگلیس و نمایندگان حزب توده هم می خواستند دولت شوروی همان امتیاز و مزایا را در شمال داشته باشد و موازنه سیاسی از این راه برقرار شود .

بنابراین مجوزی نداشت که من آن را امضاء کنم و از کارهایی که بعد در آن مجلس به نفع ایران صورت گرفت محروم شوم . مجلس پانزدهم گشایش یافت و قرارداد شرکت مختلط ایران و شوروی که براساس ۵۱ و ۴۹ درصد تنظیم شده بود در جلسه علنی رد شد و موقعیتی به دست آمد که عده ای از نمایندگان اقلیت آن مجلس توضیحات بیشتری در اطراف آن

ورق پاره بدهند و در آخر دوره که قرارداد «سعد - گس» مطرح شد و آقای مکی عضو کنونی جبهه ملی از اطلاعات مهندسين وطن پرست از جمله آقای مهندس حسینی استفاده کرده و با توضیحات بیشتری جلسه ماقبل آخر مجلس به واسطه احساسات شورانگیز آقای دکتر معظمی متشنج شد و آنقدر ایستادگی کرد تا دوره پانزدهم منقضی شده و قراردادی تصویب نشد.

در دوره شانزدهم، مردم تهران به منظور رفاندوم ملت به کار نفت هفت نفر از نمایندگان جبهه ملی را که هیچ کدام غیر از من سابقه وکالت تهران را نداشتند برای استیفای حق ملت ایران انتخاب و روانه مجلس کردند نتیجه این شد که قرارداد «سعد - گس» در جلسه علنی مردود شناخته شده و به یک کمیسیون ۱۸ نفری موسوم به کمیسیون خاص نفت اختیار داده شود رویه‌ای اتخاذ کند که استیفای حقوق ملت ایران کاملاً بشود. کمیسیون نفت به اتفاق آراء موفق شد که ملی شدن صنعت نفت را در تمام کشور اعلان کند (ناطق دستخوش احساسات شد و گریه کرد) و گزارش خود را تقدیم مجلس شورای ملی کرد که در این جلسه مطرح است.

بالاخره روز فرخنده (۱۳۲۹/۱۲/۲۴) فرا رسید، تالار جلسه علنی مجلس شورای ملی و سالن‌هایی که تماشاچیان و روزنامه‌نگاران پیش از تشکیل جلسه در آن حضور می‌یافتند پُر شده بود تا ساعت ده که زنگ زده شد. مردم پیایی وارد تالار می‌شدند و تا مدتی پس از ساعت ده نیز تماشاچیان وارد مجلس می‌شدند. در ساعت ده و بیست دقیقه لژ جراید و لژ نوین و جایگاه‌ها پر از جمعیت بود. علت این ازدحام گزارش کمیسیون نفت درباره ملی شدن نفت بود که در دستور روز مجلس قرار داشت و بنا بود درباره آن اظهار نظر شود.

کشاوَرز صدر در این باره گفت: «خوشبختانه اعضای کمیسیون نفت درباره ملی شدن نفت به اتفاق آراء این گزارش را تقدیم کرده‌اند و شاهد برجسته دیگر موضوع طرح این گزارش و دو فوریت آن بود که در جلسه قبل

همه نمایندگان به فوریت این امر قیام فرمودند

جمال امامی : «بنده یکی دوبار هم در پشت این تریبون به عرض رساندم که اولین تکلیف نماینده اظهار رأی است و این نه موجب افتخار می شود و نه مباحثات زیرا تکلیف ما این است و ملت ایران ما را برای این فرستاده که اظهار عقیده و رأی کنیم . لازم می دانم شهادت دهم که اعضای محترم کمیسیون نفت از بدو تشکیل کمیسیون به تکالیف ملی خودشان چنانچه شایسته بود قیام کردند .»

در واپسین لحظاتی که می رفت تا ملی شدن نفت به تصویب مجلس برسد هنوز کسانی چون اردلان ، تیمورتاش ، جمال امامی و دست از کارشکنی بر نمی داشتند . منتهی ترس از افکار عمومی و نیروی ناشی از بیداری و آگاهی مردم آنان را ناچار به سکوت و یا موافقت می کرد .

در پایان جلسه دکتر مصدق پشت تریبون رفت و چنین گفت : «در چنین موقعی که مجلس شورای ملی می خواهد یک تصمیمی که جنبه حیاتی برای کشور دارد بگیرد هر قدر ما کمتر حرف بزنیم و هر قدر این تصمیم زودتر گرفته شود بیشتر در صلاح ملت است (اردلان - اینطور نیست) .»

امروز در مجلس اعیان انگلیس «لرد و نستیارت» از دولت پرسید که آیا اقدامات لازم برای حفظ منافع انگلیس در ایران به عمل آمده است یا خیر؟ و هندرسن معاون پارلمانی پاسخ داده است که دولت هم قانوناً «حق دارد و هم موظف است که منافع بازرگانی خود را در ماوراء بحار حفظ نماید خواستم عرض کنم که جناب هندرسن چه سمتی دارند که در این باب مذاکراتی در مجلس کرده اند؟ .»

فرض کنیم که دولت انگلیس یکی از صاحبان سهام نفت باشد در آن موقع دولت انگلیس مثل سایر صاحبان سهام هیچ امتیازی به دیگران ندارد و باید تحت نظریات شرکت نفت باشد چون بهیچوجه دولت ایران امتیازی به دولت انگلیس نداده است که این دولت خودش را در این موقع وارد مرحله

کند .

من و تمام نمایندگان این مجلس هیچ سمتی برای هندرسن که این حرف‌ها را زده است نمی‌توانیم قائل شویم (صحیح است - صحیح است) قرارداد ۱۹۳۳ که من آن را ساختم می‌دانم به‌زور تصویب شده است و حالا هم می‌خواهند به‌زور آن را اجراء کنند . ملت ایران به هیچوجه حاضر نیست زیر بار این زور برود (صحیح است) . . .

رئیس مجلس: حالا رأی می‌گیریم به گزارش کمیسیون نفت و تبصره‌هایی که بدان ملحق شده است آقایانی که موافقاند قیام کنند

همه نمایندگان حاضر در جلسه به پا خاستند و ناگهان صدای کف‌زدن از جایگاه تماشاچیان و لژ جراید برخاست و فریادهورا و زنده‌باد نمایندگان مجلس شورای ملی ایران فضای جلسه را پر کرد چون احساسات و تظاهرات بسیار شدید و دامنه‌دار بود نمایندگان از آقای رئیس خواستند که جلوگیری نشود و اجازه بدهند ادامه پیدا کند . مدت سه یا چهار دقیقه کلیه حاضران در مجلس فریاد می‌زدند زنده باد نمایندگان دوره شانزدهم . زنده باد نمایندگان اقلیت . این تظاهرات یک محیط پرشوری ایجاد کرده بود و تا موقعی که نمایندگان ، تالار جلسه را ترک کردند دنباله آن ادامه داشت .

(نظریات گوناگون درباره تصویب قانون ملی شدن نفت)

پس از تصویب قانون ملی شدن نفت بلافاصله خبرنگار یونایتدپرس از لندن گزارش داد: «مستر کنت بانکر وزیر مشاور دولت بریتانیا گفته است که من فکر می‌کنم شرکت نفت انگلیس حاضر باشد برای تهیه قراردادی بر مبنای تساوی منافع طرفین با دولت ایران وارد مذاکره شود مذاکرات در مجلس ردان انگلیس حاکی از این بود که تا چه اندازه افکار عمومی و سیاسی لندن توجه حوادث ایران بودند . . .

آسوشیتدپرس دلیلی برای توجه افکار عمومی لندن ارائه داد و آن

گزارشی بود که در آن گفته شده بود: «قتل رزم آراء» در تهران ارزش سهام شرکت نفت انگلیس را در لندن دستخوش نوسان شدیدی کرده و با آن که پس از قتل رزم آراء ارزش سهام شرکت نفت انگلیس تا صدی ده پائین آمده بود بر اثر تصمیم مجلس شورای ملی در باره ملی شدن نفت در ایران از ارزش سهام در بورس لندن باز هم کاسته شد.

آیت الله کاشانی در مصاحبه با خبرنگار دیلی اکسپرس (۱۳۲۹/۱۲/۲۶) گفت: «من هرگز نمی توانم با همکاری مهندسين و کارمندان انگلیسی در امر استخراج نفت با ایرانی ها موافقت کنم برای اینکه سرچشمه همه بدبختی های ملت ایران از عمال شرکت نفت است که در شئون مختلف مملکت ما دخالت های ناروا می کنند. من معتقدم که اگر انگلیس ها حاضر شوند دو برابر آنچه راکه از نفت ایران می برند به ما بدهند باز هم باید دست آنان حتماً از صنایع نفت ایران قطع شود.»

ملی شدن نفت در ایران یک شور و شوقی در توده مردم کشورهای خاورمیانه و اسلامی به استثنای ترکیه پدید آورده بود و به همان نسبت در کشورهای سرمایه داری عکس العمل ایجاد کرده بود، بنابه گزارش آسوشیتد پرس از قاهره گروهی از نمایندگان پارلمان مصر در نظر گرفته بودند که به پیروی از ایران در مورد کانال سوئز که سهام آن در دست انگلیس ها و فرانسوی ها بود طرحی تهیه کنند چون کانال سوئز برای ملت مصر مانند منافع نفت برای ایران بود و مصریان سال ها در این باره مبارزه کرده بودند.

پس از ملی شدن نفت اکثر نزدیک به اتفاق روزنامه های جهان در این باره اظهار نظر کردند که ما فشرده ای از آن اظهار نظرها را در اینجا می آوریم.

روزنامه سندی کرونیکل: «این زمزمه ایرانی ها که می گویند نفت ایران باید ملی شود نغمه خطرناکی است که نه تنها برای شرکت نفت انگلیس بلکه برای ایران نیز خطرناک بوده و منجر به پی آمدهای وخیمی خواهد شد که

جبران آن شاید آسان و ممکن نباشد . . .

آنکارا - روزنامه نیمه رسمی ظفر : «سیاست ملی کردن نفت ایران در سیاست انگلیس و آمریکا در خاورمیانه تأثیر عمیقی خواهد داشت و ممکن است موجب یک مصیبت جهانی شود . . .»

پاریس - روزنامه سامدی سوار : «موضوع نفت ایران بر اثر رقابت انگلیس و آمریکا ایجاد وضع مشکلی کرده است . . . روسیه شوروی هم در رویدادهای اخیر ایران دستی ندارد به ویژه از اینرو که نفعش در ملی شدن نفت ایران نیست . . .»

لندن - روزنامه دیلی ورکر (۱۹ مارس ۱۹۵۱) زیر عنوان وای به حال کسی که در این راه وارد شود نوشت : «قماری که در ایران جریان دارد یکی از بزرگترین بازی‌های جهان کنونی است هنگامی که حساب میلیون‌ها لیره و دلار بدهی باشد انسان در برابر یک قتل اتفاقی و یا وضع ناگوار روستائیان که از نعمت سواد بی‌بهره‌اند اندیشه نمی‌کند . این چه نیروئی است که این کشور فقیر را بازیچه سیاست جهانی کرده است ؟ . . .»

لیورپول - دیلی پست : « . . . وضع کنونی ایران برای کشورهای غربی، فوق‌العاده خطرناک است و یک خطر عظیم‌تری در پیش است و آن پیروی دیگر کشورهای خاورمیانه از عمل ایران می‌باشد . . .»

ایونینگ کرونیکل : «نفت ایران برای ما جنبه حیاتی دارد . ایران بدون کمک نمی‌تواند از منابع خود بهره‌برداری کند و اگر این حقیقت را بپذیرد به نفع انگلستان است . . . ایران نقطهء خطرناک و روشن جهان است . . .»

لندن - منچستر گاردین (۱۹ مارس ۱۹۵۱) : «اقدام برای ملی شدن نفت ، دیگر کشورهای خاورمیانه را بیدار کرده است و از جمله کشور عراق به کمر افتاده که منابع نفتی خود را ملی کند و مصری‌ها خواهان ملی کردن انال سوئز می‌باشند . . .»

روزنامه گلاسگوهرالد (۱۹ مارس ۱۹۵۱) : «یکی از نمایندگان مجلس ایران گفته بود که در سال ۱۹۳۳ ما امتیاز نفت را تحت فشار امضاء کردیم و اکنون برای ملی شدن نفت از روی ترس (مردم) رأی دادیم ..»

لندن - روزنامه تایمز : «قضیه نفت ایران مهمترین آزمایش برای دقت و دوراندیشی وزارت خارجه بریتانیا است . شدت و زور در برابر تصمیم ملت ایران سبب خواهد شد که ملت ایران و دیگر ملت های خاورمیانه با هم متحد و هم آهنگ شده و با ما مخالفت نکنند ..»

روزنامه نیواستیتسمن : «ملت ایران حق دارد نفت خود را ملی کند و پیمان های جدیدی بر اساس عدل و انصاف منعقد سازد . بریتانیا باید به جای این بازی های شگفت انگیز یک سیاست ثابت و روشنی پیش گیرد ..»

روزنامه دیلی گرافیک : «موضوع نفت ایران بهانه بزرگی به دست چرچیل و حزب محافظه کار داده است که دولت کنونی و حزب کارگر را مورد حمله قرار داده و زمینه را برای سرنگونی دولت کارگری فراهم کند ..»

روزنامه المصری : «محافل رسمی مصر و دیگر زمامداران کشورهای عرب با هوشیاری کامل مراقب اخبار مربوط به ملی شدن نفت ایران هستند و انتظار دارند به بینند این پیش آمد متهوران و شجاعت آمیز چه تأثیری در محافل غربی خواهد داشت . ملل شرق بیدار شده اند و این بیداری در پیشرفت آرزوها و مسائل مربوط به ملل عرب که سال ها مطرح بود و به جایی نرسیده است نیز موثر خواهد بود ..»

اینترنشنال نیوز : «روسای شرکت های نفتی انگلیسی و امریکائی با نگرانی زیادی ناظر کارها و تصمیمات ایرانیان می باشند برای این که اقدام به ملی کردن نفت ممکن است به زودی در پهنه خاورمیانه گسترش یابد و در منافع عظیم امریکائی ها در خاورمیانه تأثیر ژرفی خواهد داشت ..»

مسکو - مجله لیتزاری گازت (۱۳۳۵/۱/۷) : «..... دکتر گریدی سفیر امریکا در ایران کسی است که برای بیرون راندن انگلیس ها از ایران از

طرح ملی کردن نفت در ایران پشتیبانی کرد و در این راه از هیچگونه تلاشی خودداری نکرده است . . .

از همه نظریات گوناگون روزنامه‌ها و اخبار خبرگزاری‌ها چنین برمی‌آید که ملی کردن نفت ایران اقدامی شجاعانه و تهورآمیز از سوی توده مردم کشورهای دربند استعمار تلقی شده بود و آنان ایران را سرمشقی برای خود می‌دانستند . از سوی دیگر باعث ناراحتی و عصبانیت شدید کشورهای امپریالیستی گردیده بود . استعمارگران غربی کوشش می‌کردند که از پیروی دیگر کشورها از ایران جلوگیری کنند تا منافع عظیم کارتل‌های نفتی به خطر نیفتد و برای این کار ضمن محاصره دریائی شدید ایران به تبادل نظر برای تحکیم وضع خود پرداختند .

در این زمان افکار عمومی در عراق با دقت کامل ملی شدن نفت و رویدادهای ناشی از آن را دنبال می‌کرد . گفتار رادیو ایران را مردم عراق با دقت و توجه خاصی می‌شنیدند و روزنامه‌های ایران را بیش از پیش می‌خواندند . روزنامه‌های کشورهای چونی عراق تماس دائم تلفنی با تهران داشتند و همانگونه که منچسترگاردین نوشته بود اقدام ایران در ملی کردن نفت اثر عمیقی در اینگونه کشورها کرده بود و از اینرو توده مردم ناورمیانه متفق‌القول بودند که نهضت ملی ایران بی‌شرو نهضت‌های ملی ناورمیانه و کشورهای اسلامی است .

متأسفانه این نهضت برای مردم ما و کشورهای اسلامی و خاورمیانه دری زود بود . درست است که جمال عبدالناصر سال‌های بعد با الهام از نهضت بزرگ ملت ایران نهضت ضد امپریالیستی خود را پی افکند و صادقانه ستایش نهضت ملی ایران و دکتر مصدق پرداخت اما باید دانست هنگامی که ما نهضت بزرگی را در سال ۱۹۵۱ شروع کردیم آگاهی در شرق بسیار ناک بود مثلاً " تازه در سال ۱۹۵۳ در عربستان سعودی نخستین دبیرستان

گشایش یافت^۱ و در چنین شرائطی بود که کشورهای امپریالیستی می‌کوشیدند یا استفاده از نا آگاهی‌های توده‌ء این سامان و در دست داشتن منابع بیکران دیگر کشورهای خاورمیانه نهضت ما را سرکوب کنند.

گفتیم که این نهضت برای مردم ما زود بود. دلیلی می‌آوریم، درست توجه بفرمائید: رهبران حزب توده‌ء ایران که به بیرون از کشور گریخته بودند در ۱۹۵۷ در اروپای مرکزی به دور هم گرد آمدند و با جملاتی که عیناً "در ذیل نقل می‌شود اعتراف کردند که در مورد مخالفت با افکار ملیون و جمله بر علیه دولت دکتر مصدق مرتکب اشتباه شده‌اند.

"از آنجائی که این جنبش برضد انگلیس است پس ملی نمودن بایستی به ایده‌ء امریکائی‌ها برای اخراج رقیبشان باشد به این دلیل ایده‌ء ملی کردن و طرفداران آن باید محکوم شوند و شعارهای دیگری جایگزین ایده ملی شدن گردد....."

(از اعلامیه چهارمین اجتماع کمیته مرکزی توده ایران ۲۵ و ۲۶ تیسر ۱۳۳۶ (ژوئن، ژوئیه ۱۹۵۷).

در ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ از لندن خبر رسید که میان دولتین امریکا و انگلیس در باب مسائل مربوط به ملی کردن نفت ایران گفتگوهای صورت گرفته است و اقدام ایران در ملی کردن نفت نظریات گوناگونی را در میان دولت‌های شرق و غرب پدید آورده است.

بنابه گزارش آسوشیتد پرسیس وزارت امور خارجه امریکا و محافل سیاسی و اقتصادی آن کشور نگران بودند که مبادا موضوع ملی شدن نفت ایران به کشورهای که شرکت‌های امریکائی مشغول بهره برداری نفت هستند مانند عراق، کویت، عربستان سعودی سرایت کند و بنابه این انگیزه وزارت خارجه

امریکا اعلام کرد که «مستر مک کی» را برای مذاکره درباره نفت به تهران فرستاده است.

آسوشیتد پرس پس از مخابره جریان ورود «مک کی» معاون وزارت خارجه امریکا و امکان دخالت وی در کارهای مربوط به اختلافات ایران و انگلیس درباره نفت گفتگویی را که با آقای دکتر مصدق لیبر اقلیت مجلس شورای ملی کرده بودند انتشار داد و افزود که دکتر مصدق شدیداً مخالف دخالت شرکت نفت انگلیس در معادن نفت جنوب ایران است.

دکتر مصدق در این گفتگو اظهار داشته بود که: «نظر من از پیشنهاد نانون تحریم امتیاز نفت در مجلس چهاردهم این بود که ملت ایران خودش ز معادن نفت کشور بهره برداری کند و در پاسخ پرسشی راجع به کارشناسان انگلیس گفته بود برای این که وقفه‌ای در کارها ایجاد نشود باید از وجودشان استفاده کرد مگر آن که نتوانند شرایط ایران را بپذیرند که در آن صورت باید کم کم از کارشناسان دیگر کشورها استفاده کرد.

در این هنگام همه توجه و نیز نگرانی مردم بریتانیا در مسئله نفت مرکز یافته بود و ملی شدن نفت در رأس تمام مسائل دامنگیر انگلستان جای اشت. انگلیس‌ها نگران بودند که میباید در ایران مرد مقتدری پیدا شود ه برای مخالفت با آنها و ملی کردن نفت شجاعت و کاردانی کافی داشته اشد. این نگرانی انگلیس‌ها درست و بجا بود زیرا همانگونه که یک دیکتاتور ن توانست منافع انگلستان را در ایران تأمین کند یک مرد مقتدر ملی نیز ن توانست آن منافع را به صاحبان حقیقی خود برگرداند.

تأثیر تصمیم مجلس شورای ملی ایران به رهبری جبهه ملی در مورد
ی کردن نفت به اندازه‌ای بود که ارزش سهام شرکت نفت انگلیس به فاصله
۲ ساعت برای چندمین بار تنزل کرد. محافل رسمی لندن معتقد بودند
باید اقداماتی درباره ایران از طرف دولت انگلیس انجام گیرد و به تندی
این راه گام برداشته شود.

فرستادن ناوشکن‌های کامبیا و موریشس به بنادر ایران و اخطار به ایران که باید از فکر ملی‌کردن صنعت نفت منصرف شود و دعوت از حسین علاء نخست‌وزیر وقت به لندن (این دعوت به سبب استعفای وی میسر نشد) و توسل به شاه ایران جهت عدم توشیح قانون ملی شدن نفت از این اقدامات تند و نخستین شمرده می‌شد.

حزب کمونیست بریتانیا نیز بدین‌سه نکته اعتراض کرده و اعلام داشته بود که ... کمپانی نفت در طی سه سال اخیر معادل ۱۴۲ میلیون لیتره استرلینگ سود خالص به دست آورده است اینگونه شیوه غارتگری خاص امپریالیسم انگلیس بود که همواره با امپریالیسم امریکا رقابت‌داشت و نتیجه آن هم منجر به کودتاها و تغییر و تبدیل کابینه‌ها بر ضد ملت ایران و بر ضد آزادی و دموکراسی می‌شد در اعلامیه حزب کمونیست بریتانیا از تمام اتحادیه‌های کارگری خواسته شده بود که بر ضد اعزام ناوهای جنگی به آب‌های ایران که شدیداً "از منابع و ثروت ملت خود دفاع کرده است اعتراض کنند.

(کابینه علاء)

پس از ترور رزم‌آراء مجلس شورای ملی در ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ تشکیل شد تا دربارهٔ نخست‌وزیر آینده به‌گفتگو پردازد و ما به‌کوتاهی آن را می‌آوریم . آشتیانی‌زاده: «بطور تحقیق حفظ رژیم سلطنت برای وضعیت مملکت ایران و هیکل جغرافیائی ما لازم و واجب است و اگر ما امروز معتقد به حفظ این رژیم هستیم نه از لحاظ شخصیت شخص محمدرضا شاه پهلوی است بلکه از نظر وضعیت جغرافیائی و موقعیت ایران است که لزوم چنین رژیمی را واجب می‌شمرد .

پس ما باید این رژیم را آنطور که ممکن است حفظ کنیم و اولین قدم برای حفظ آن ، این است که تعیین مسئول جهت سپردن زمام مملکت به دست

او به اراده ملت ایران و مجلس شوازی ملی باشد (صحیح است) رفیق محترم من آقای مکی در جلسه خصوصی اشاره به این امر کردند و بنده هم این مطلب را مطرح می‌کنم و معتقدم که مجلس بایستی با تمام قوا کوشش کند تا مسئول مملکت را خودش تعیین کند.

برای این که شخص شاه مسئول نیست و ممکن است چه بسا دستخوش تمایلات برادران و خواهران خود بشود زیرا از وقتی که شاه نخست‌وزیر را تعیین کرده مملکت دچار بدبختی شده است (نریمان - خارجی‌ها هم سوءاستفاده کرده‌اند) شاه مقام غیر مسئولی است و احترام و تعظیم او بر تمام ما واجب و مسلم است و او را نباید مسئول کرد

کشاوری صدر: «در انتخاب نخست‌وزیر و اعضای دولت آینده باید رعایت افکار عمومی و مصلحت کشور بشود و در این صورت باید کسی را در نظر گرفت که متکی به قانون و اصل حکومت مشروطه باشد»

حسین مکی: «نمایندگان اقلیت نظر خاصی به انتخاب کسی ندارند؛ کاندیدا هم ندارند و معتقدند هر دولتی که مطابق مصلحت کشور عمل نماید مورد پشتیبانی و تقویت آنان واقع خواهد شد»

بالاخره معرفی کابینه حسین علاء به پس از تعطیلات عید نوروز موکول شد بنا به گزارش آسوشیتدپرس در ۱۳۲۹/۱۲/۲۴ دولت علاء پیش از معرفی به مجلس و گرفتن رأی اعتماد هرگونه می‌تینگ و دمونتراسیونی را در نیابان‌های تهران ممنوع کرد و خاطر نشان ساخت که می‌تینگ‌های ثابت (سخنرانی‌ها) نیز باید با کسب اجازه از شهربانی برپا شود. این ممنوعیت پس از تظاهرات جمعیت طرفداران صلح (حزب توده) اعلام شده بود اما هدف آن جلوگیری و فشار از کارگران اعتصابی آبادان بود.^۱

۱ - در روز ۱۳۲۹/۱۲/۲۲ حزب توده (به نام جمعیت طرفداران صلح)

بقیه پاورقی در صفحه بعد

آقای دکتر مصدق برای آگاهی افکار عمومی جهانیان از حقانیت مبارزات ملت ایران و ملی شدن نفت گفتگویی با خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های مشهور خارجی ترتیب داد. ایشان در ۱۳۳۵/۱/۱۷ در مصاحبه‌ای با خبرنگاران (یونایتد پرس - آسوشیتد پرس - خبرگزاری تاس - خبرگزاری فرانسه - مجله تایم - دیلی اکسپرس لندن - روزنامه پیمبوایتالیا - مخبر روزنامه‌های ترکیه) گفت:

..... مهم‌ترین امری که از نیم قرن پیش خاطر طبقات فهمیده و روشن‌دل وطن عزیز ما را به خود مشغول داشته مسئله نفت است. این منابع عظیم خداداد از چهل و چند سال پیش تاکنون در دست شرکت نفت انگلیس قرار گرفته است. این شرکت نه تنها حقوق مسلم ملت ایران را پایمال کرده و سیل طلای سیاه را تقریباً "به رایگان از دل خاک کشور ما به خارج انتقال داده است بلکه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و از جهت مداخله و اعمال نفوذ در اداره امور اساسی مملکت ما بزرگترین مانع را در راه رشد و ترقی و استقلال ملت ایران به وجود آورده است.

مدت زمانی است که ملت ایران علاقه شدید و قطعی به برداشتن این سد محکم از برابر ترقی و تعالی و سعادت خود نشان داده و آرزو داشته است که شخصاً "از این منبع مهم ثروت و درآمد بهره‌برداری کند و ضمناً از شر مداخلات و اعمال نفوذهای زیان‌بخش و خطرناک سیاست استعماری انگلستان که شرکت نفت جنوب پایگاه مهم آن است آسوده باشد.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

دمونتراسیونی (راه‌پیمائی) ترتیب داد که در آن همه گونه شعاری به جز شعار دربار ملی شدن نفت می‌دادند. شعارهای حزب توده در این دمونتراسیون چنین بود: دست از کره بردارید - مرگ بر مک‌آرتور - دکتر گریدی جلاد یونان است

جبهه ملی که خود را نماینده تمایلات و افکار اصلاح طلبانه و استقلال خواهانه ملت ایران می داند با تصمیم قاطع برای ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور ایران شروع به اقدام کرده و با تکیه به احساسات و افکار عمومی ملت ایران و جلب توجه و نظر مطبوعات مملکت و افراد مؤثر و مفید خارج از مجلس موفق شد که این تصمیم را به صورت قانون از تصویب مجلس بگذراند . نکته قابل توجه اینکه جبهه ملی همیشه با هرگونه مداخله از طرف هر دولت خارجی در امور داخلی ایران جدا " مخالف بوده و اعطای هیچگونه امتیازی را به هیچ دولت خارجی به مصلحت ملت ایران نمی داند

بخصوصاً " با اوضاع حاضردنیا ، عدم مداخله بیگانگان از هر مسلک و سیاست ، در امور ایران و در منابع ثروت ما نه تنها برای ملت ایران مفید است بلکه تا اندازه زیادی به صلح دنیا و آرامش اوضاع بین المللی کمک می کند .

تذکر این نکات را زائد نمی دانم . یکی اینکه با آنچه گفته شد هیچ عامل و هیچ تمایل سیاست خارجی در این امر مهم تأثیری یا مداخله ای نداشته است . دیگر این که ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ایران مبنی بر حق حاکمیت ملت ایران است و از حقوق طبیعی و انکارناپذیر هر ملتسی نمرده می شود . .

آقای دکتر مصدق در جلسه مطبوعاتی دیگری (۱۳۳۵/۱/۱۷) گفت :
 ، چون اخیراً " از طرف بعضی از مخبرین محترم روزنامه های خارجی پرسش هایی ز بنده درباره نفت و ملی شدن آن شده است از اینرو تصمیم گرفتم که پاسخ آن ها را امروز در این جلسه عرض کنم .

الف - پرسیده شده است که نظریات خود را در خصوص طرز اجرای تصمیم مجلس شورای ملی راجع به ملی شدن نفت بگویم ؟ .

نظر من همان است که چندین پیش به کمیسیون خاص نفت پیشنهاد رده ام و آن این است که اجرای تصمیم مجلسین راجع به ملی شدن صنعت نفت تنها به دست دولت و بر طبق منویات ملت ایران صورت نخواهد

گرفت زیرا اگر دولتی دلسوز و به تمام معنی غمخوار ملت هم تشکیل شود چون عملیات چنین دولتی با نظریات کمپانی تطبیق نمی‌کند کمپانی به وسیله عمال خود که در همه جا هستند سعی می‌کند چنین دولتی را ساقط کند و دولتی روی کار بیاورد که اجرای این قانون را به تأخیر اندازد.

بنابراین چنانچه یک کمیسیون مختلط از نمایندگان مجلسین یعنی از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا برای اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت مأموریت پیدا کند البته بیشتر به صلاح کشور است زیرا کمپانی در یک رئیس دولت بیشتر می‌تواند اعمال نفوذ کند و با آن سازش کند تا با یک کمیسیون مختلط از نمایندگان مجلسین

ب - و نیز پرسیده‌اند که اگر کمپانی نفت به حکمیت مراجعه کند ایران چه خواهد کرد .

اولاً "مسائل مربوط به حق حاکمیت ملل قابل ارجاع به حکمیت نیست و ملی کردن صنایع در هر کشوری ناشی از حق حاکمیت ملت است .

ثانیاً "به فرض این که شرکت نفت به حکمیت رجوع کند و بر فرض محال که تقاضایش مورد قبول واقع شود هیچ حکمی هر قدر هم دست نشانده و بی‌انصاف و ظالم باشد نمی‌تواند به محرومیت ملتی از حق حاکمیت خود حکم دهد .

ثالثاً "بر فرض اینکه قراردادی در محیط آزاد و امن و امان هم منعقد شود موضوع آن نباید نامشروع یا خلاف اخلاق عمومی و یا غیر ممکن باشد و هر قراردادی که فاقد یکی از این سه شرط باشد اصلاً "باطل و کان لم یکن است . از آقایان می‌پرسم چه امری نامشروع تر از اینکه قراردادی ملتی را تحت اسارت دولت دیگری قرار دهد؟ چه خلاف اخلاقی از این روشن تر که ملتی با داشتن ثروت سرشار از گرسنگی جان بدهد و درآمدش را یک شرکت بیگانه و سرمایه‌داران خارجی غصب کرده و با ثروت خود او وسیله نابودی او را فراهم کنند؟

چه امری غیر ممکن تر از این که ملتی خود از فقر ناپوشود و دیگران از ثروت او وسایل فرمانروائی و تسلط بر آن کشور را فراهم کنند؟ .

تمام این مقدمات به فرض این است که قراردادی در محیط آزاد منعقد شده باشد و حال آنکه همه می دانیم که قرارداد باطل ۱۹۳۳ تحت فشار و تهدید دولت دیکتاتوری که اساساً " برای همین کار به وجود آمده بود منعقد شده و گذشته از اینکه نمایندگان مجلس نمایندگان حقیقی ملت نبوده اند که سندی را به حساب ملت تصویب کنند وزیر امضاءکننده آن هم با صراحت در مجلس شورای ملی اقرار کرده است که امضای آن به اجبار صورت گرفته و در انجام آن بیش از یک آلت فعل نبوده است .

ج - آخرین پرسش این است که در خصوص یادداشت سفارت انگلیس به دولت ایران نظر اینجانب چیست؟ .

نظر من این است که دولت باید یادداشت سفیر انگلیس را رد کند . زیرا بر فرض اینکه به ادعای شرکت قراردادی بین دولت ایران و آن شرکت منعقد شده باشد دخالت دولت انگلیس در کاری که بین یک شرکت تجارتي و دولت ایران واقع شده است تنها از نظر مداخله نامشروع و تمديد است و پس .

در خاتمه نکته‌ای دیگر را که لازم می دانم توضیح داده شود این است که شرکت نفت انگلیس و عمال آن به منظور مشوب کردن افکار عمومی دنیا خواسته‌اند چنین وانمود کنند که دست یک دولت یا دولت‌های بیگانه دیگری در این کار دخالت داشته و ملت ایران به نفع و یا تحریک بیگانگان چنین قیامی کرده‌اند شما که در ایران هستید به خوبی آگاه می باشید که مردم ایران با نهایت از خودگذشتگی و تنها به منظور به دست آوردن استقلال سیاسی و اقتصادی خود مبادرت به اتخاذ این تصمیم کرده است

شما ای نمایندگان رکن چهارم آزادی برسوید در تمام نقاط ایران وضعیت مردم را مشاهده و تحقیق کنید و به بینید کیست که از این اوضاع

راضی باشد آن وقت بفرمائید دولت‌هایی که دم از آزادی می‌زنند برای مردم این سرزمین چه‌فکر کرده‌اند و چه اندیشه می‌خواهند به‌کار ببرند که از ناراضی‌بیتی جلوگیری شود.

بعضی از مطبوعات انگلیس در روزهای اخیر چنین انتشار داده‌اند که کمپانی نفت جنوب در طی سه‌سال گذشته معادل ۱۴۲ میلیون لیره استرلینگ سود خالص به‌دست آورده است^۱ و این سیستم غارت اغلب منجر به کودتاها و تغییر و تبدیل کابینه‌ها در ممالک شرق که در زنجیر استثمار گرفتاراند بوده است در صورتی که عایدات ملت ایران جمعا " در حدود ۲۹ میلیون لیره بوده است ..

• • •

در این روزهای تاریخی که احساسات مردم به‌شدت خودنمایی می‌کرد یک اتحاد و اتفاق بی‌مانندی در میان مردم ایران پدیدار گشته بود که حد و اندازه‌ای نداشت. حتی روزنامه‌های مزدوری که به یاری بیگانگان منتشر می‌شدند جرئت کمترین اعتراض و عکس‌العملی را نداشتند. نسلی که در آن دوران می‌زیستند می‌توانند به‌خود ببالند که درخشان‌ترین روزهای تاریخ را دیده‌اند.

آقای باقر کاظمی در جلسه علنی مجلس سنا برای هشدار به آن نسل چنین گفت: «بنده وظیفه خود می‌دانم نخست از رادمردان و وطن‌پرستانی که در انجام منظور ملت در استیفای حقوق ملی و بالاخره ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر کشور که از دو سال پیش تاکنون مبارزهٔ مردانه و رشیدانه کرده و وظیفه ملی و وطنی خود را انجام داده‌اند صادقانه و از صمیم قلب تقدیر و تمجید کنم و پس از آن این نکته را تذکر دهم که نباید تصور شود که کار خاتمه یافته و مقصود حاصل شده است بلکه باید همه بدانیم که تنها قدم اول برداشته شده است و باید دنباله آن با نهایت جدیت و صمیمیت و

وحدت نظر عموم طبقات ملت تا خاتمه عملی شدن آن پیموده شود .
به عقیده بنده اکنون ما بیش از هر زمان دیگری نیاز به اتحاد و اتفاق
کلمه و تشریک مساعی و یگانگی و پیروی از نقشه واحدی برای نیل به هدف
داریم . ما باید از هیچ تهدید و مشکلی نهراسیم و عاقلانه فکر
کنیم و جانباز و فداکار باشیم تا به خواست خداوند به پیروزی قطعی برسیم . .

(معرفی کابینه علاء به مجلس)

در جلسه علنی (۱۳۳۵/۱/۱۸) مجلس شورای ملی پس از آنکه آقای
کشاورز صدر حملاتی به دولت انگلیس کرد و به بازداشت کریمپور شیرازی مدیر
روزنامه شورش اعتراض کرد کابینه حسین علاء به مجلس معرفی شد . هنگامی که
حسین علاء پشت تریبون رفت تا دولت خود را معرفی کند آقای آشتیانی زاده
با اشاره به علاء گفت : «مرده یاد عاقدین قرارداد ۱۹۳۳ - مگر آقای
علاء عضو هیئت مدیره قرارداد ۱۹۳۳ نبودند (زنگ رئیس) خواهش می کنم
راجع به قرارداد ۱۹۳۳ هم چیزی بفرمائید؟» (نمایندگان - آقا این حرف ها
معنی ندارد ، بنشینید) .

آشتیانی زاده (خطاب به نمایندگان) پس شما چه چیز را می خواهید
ملی کنید؟ مگر شوخی می کنید؟ (با اشاره به علاء) ، این که خودش
قرارداد ۱۹۳۳ است (زنگ رئیس) .

پس از معرفی کابینه علاء دکتر مصدق رشته سخن را به دست گرفت
و گفت : « چون در اینگونه مواقع که افق سیاست روشن نیست اشخاص
که وارد در امور حساسند گاه به مرض سخته و مبتلامی شوند این است
که وصیت نامه خود را در بهترین محلی که بایگانی مجلس است به امانت
می گذارم .

آقایان نمایندگان محترم مملکت ایران باید به طریق دموکراسی و بر
طبق اصول مشروطیت اداره شود . دیکتاتوری مملکت ما را بهر روز سیاه نشانده